نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۰۹، ۳۱ فروردین ۱۴۰۵

چکیده یک سال جنبش کارگری، اعتصاب‌ها، و اعتراض‌ها
مبارزه زحمتکشان برای دستمزدی به‌اندازه سبد معیشت خانوار، امنیتِ شغلی، و دارو و درمانِ وعده داده شده

به‌رغم سرکوب شدید اعتراض‌های زحمتکشان و قتل‌عام هزاران معترض بی‌گناه در دی‌ماه ۱۴۰۴، در سالی که گذشت زحمتکشان کشورمان در تمام عرصه‌های تولید و خدمات مبارزهٔ قابل ستایشی را به پیش برده بودند. اعتراض‌های گستردهٔ زحمتکشان در سال‌های ۹۶، ۹۸، و جنبش "زن، زندگی آزادی" در سال ۱۴۰۱ و اعتراض های گسترده دی‌ماه ۱۴۰۴، قبل از تجاوز نظامی به کشورمان، جنبش مردمی رژیم ضدمردمی ولایت فقیه را به چالش جدی کشیده بود. مسلماً بعد از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسرائیل به کشورمان، و متاسفانه کشته شدن هزاران کارگر و مردم بیگناه، شرایط تغییر کرده و باید تمام نیرو و مبارزه را برای تحمیل مذاکرات صلح و برقراری آتش‌بسی پایدار به جنگ‌طلبان داخلی و خارجی گذاشت. بعد از دهه‌ها سال مبارزه با رژیم ولایت فقیه، زحمتکشان کشورمان شایستهٔ دست یافتن به آزادی و زندگی انسانی در حکومت دمکراتیک ملی خود هستند. در زیر به نمونه‌هایی از مبارزهٔ زحمتکشان در سالی که گذشت اشاره می‌کنیم.

مبارزهٔ کارگران زن برای یک زندگی انسانی

بخش قابل توجهی از کارگران زن، سرپرست خانوار نیز هستند. بنابراین علاوه بر تامین مواد خوراکی سبد معیشت خانوار، باید هزینه اجاره منزل، هزینه دارو و درمان، هزینه آموزش و غیره خانوار را نیز تامین کنند. شغل بخش قابل توجهی از این زنان نیز دستفروشی‌ست؛ و با آغاز حملات امپریالیسم آمریکا و دولت جنایتکار اسرائیل به کشورمان، این زنان بخش بزرگی از درآمد خود را از دست داده‌اند و شرایط معیشتی اسفباری دارند. جمعی از زنان کارگر غیررسمی ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۴ در تماس با خبرنگار ایلنا، از آینده خود ابراز نگرانی کردند. این کارگران گفتند: "ما روزمزد هستیم و درآمدمان به نسبت کاری است که انجام می‌دهیم. در شرایط فعلی نه عیدی داریم و نه آینده شغلی... ما حقوق ثابت و بیمه نداریم و وقتی کاری برای انجام دادن نیست، جیب‌مان خالی می‌ماند." یک زن دستفروش در این رابطه گفت: "این ماه حتی به اندازه اجاره خانه هم درآمد نداشتم. نگران آینده هستیم و نمی‌دانم چگونه باید روزگار بگذرانم؟!

روز بیست و چهارم آذرماه در شهرک صنعتی دولت‌آباد شهرستان برخوار استان اصفهان، حادثه آتش‌سوزی رخ داد که در طی آن ۹ کارگر جان خود را از دست دادند. حتا یک روز بعد از حادثه، در ۲۵ آذر خبرنگار ایلنا با زهرا عسگری، مدیر روابط کار اداره‌کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اصفهان تماس گرفت و عسگری در پاسخ به این سؤال که آیا این واحد پیش‌تر بازرسی شده بود یا نه اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: ما هنوز اطلاعات دقیقی نداریم. هنوز جزئیات و نام کارگاه را نمی‌دانیم. خبرنگار در گزارش خود افزود: "با وجود پیگیری‌های ایلنا و گذشت یک روز از حادثه، هنوز مقامات اداره کار اصفهان، اطلاعات دقیقی از نام کارگاه محل حادثه و علت اولیه بروز این حادثه ارائه نداده‌اند." در گزارش دیگری در سوم دی‌ماه از این آتش‌سوزی، ایلنا از جان باختن ۹ کارگر خبر داد که تعدادی از آنان زنان جوان و سرپرست خانوار بودند. گزارش از محرمانه باقی ماندن جلسه مسئولان در رابطه با آتش‌سوزی خبر داد و افزود: "برخی از کارگران موفق می‌شوند از محل خارج شوند، اما در ادامه، در کارگاه قفل می‌شود و ۹ نفر از کارگران در داخل محبوس می‌مانند. کارگاه نیز از نظر تجهیزات ایمنی و امکانات امدادی در وضعیت مناسبی قرار نداشته و همین موضوع در تشدید پیامدهای حادثه مؤثر بوده است. .. نبودِ تجهیزات ایمنی و رعایت‌نشدن الزامات قانونی از جمله مواردی است که در بررسی‌ها مطرح شده و می‌تواند بخشی از دلایل وقوع حادثه باشد... در این پرونده، مشخص شده که مجوزهای لازم از جمله مجوز موضوع ماده ۸۷ قانون کار برای تاسیس و فعالیت کارگاه اخذ نشده است."

مرضیه مهدوی، رئیس اتحادیه زنان کارگر استان گیلان و عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شهرستان رشت، ۷ آبان‌ماه ۱۴۰۴، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا به تشریح وضعیت دشوار

ادامه در صفحه ۳

یک سال با جنبشِ کارگری و سندیکاییِ میهن‌مان

از مبارزه برای تأمینِ حقوق سیاسی- صنفی، پیکار علیه استبدادِ حاکم تا ایستادگی در برابر جنگ، دفاع از میهن و برقراریِ صلح

با فرارسیدن یازدهم اردیبهشت‌ماه- اول ماه مه- روز جهانی کارگر، طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ما همراه با سایر لایه‌های مردم با پیامدهای دهشتناک تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسرائیل که به‌مدت ۴۰ روز ادامه پیدا کرد، روبه‌رو هستند. جنگی که هنوز رسماً پایان نیافته و آتش‌بسِ موقت برقرار است. بمباران و تخریب بخش‌هایی از واحدهای تولیدی کلیدی و راهبردیِ کشور ازجمله صنایع پتروشیمی بندر ماهشهر، مجتمع گاز پارس جنوبی در عسلویه، و کارخانه‌های تولید فولاد در استان اصفهان و اهواز و بسیاری دیگر از زیرساخت‌های کشور، علاوه بر جان باختن و مصدوم شدن هزاران نفر از هم‌وطنان و خسارت‌های جبران ناپذیر اقتصادی، بیکار شدن صدها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان شاغل در این صنایع را به دنبال داشته است.

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی شکل‌گیری جنبش اعتصابی سراسری کارگران ایران!

نامهٔ مردم کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

ادامهٔ یک سال با جنبشِ کارگری ...

مرور جنبش کارگری درطول یک سال گذشته گواه بر آن است که مبارزات طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان در تلاش برای دستیابی به مطالبه‌های صنفی و سیاسی خود تا زمان آغاز این تجاوز جنایتکارانه و پس از آن همراه با تحولات قابل ملاحظه‌ای پیگیرانه ادامه داشته‌اند. در طی این مدت کارگران افزون بر برنامه‌های ویرانگر جراحی اقتصادی ابتدا با خطر احتمال بروز جنگ و سپس با پیامدهای ویرانگر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار اسراییل روبه‌رو شدند. پیش از شروع جنگ ۱۲ روزه در خردادماه سال گذشته و تجاوز نظامی اخیر و پس از گذشت نزدیک به چهار دهه از اجرای برنامه‌های ضد کارگری تعدیل ساختاری خصوصی سازی، مقررات زدایی، نبودِ شرایط ایمنی در محیط کار، تعیین نشدن حداقل مزد بر اساس نرخ تورم و هزینهٔ سبد معیشت، وضعیت زندگی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن ما بیش از پیش طاقت‌فرسا شده بود و طبیعتاً با وقوع جنگ این وضعیت بسیار وخیم‌تر شده است.

در اثر تجاوز نظامی اخیر به میهن ما و تخریب گسترده زیرساخت‌ها و بسیاری از صنایع راهبردی، تولید و کار در بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی متوقف شده‌اند و درنتیجه کارگران و سایر زحمتکشان از اولین قربانیان جنگ هستند. با این وجود، فداکاری و تلاش آنان برای بازسازی خرابی‌های جنگ و کمک به مردم در تمام مرکزهای خدماتی، تولیدی، امدادرسانی، و بیمارستان‌ها تحسین‌برانگیز است. مطابق آمارهایی که توسط مطبوعات و خبرگزاری‌های جمهوری اسلامی انتشار یافته است، در اثر بمباران مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر و بندر شاپور (امام) نزدیک به ۲۷ هزار کارگر، تکنیسین و مهندس وضعیت شغلی‌ای میهم دارند. درحال حاضر این مجتمع‌ها هنوز به مدار تولید بازنگشته و لاجرم کارکنان بیکار هستند. بمباران تاسیسات نفت، گاز و پتروشیمی در پارس جنوبی- عسلویه به درخطر قرارگرفتن امنیت شغلی بیش از ۲۲ هزار کارگر که عمدتاً کارگران پروژه‌ای محسوب می‌شوند منجر گردیده است. بیکاری زحمتکشان در منطقه‌های مهم صنعتی به معضلی جدی بدل شده است. به‌علاوه، شمار بسیاری از کارگران راه‌آهن به‌ویژه کارگران ابنیه فنی، کارگران صنعت ساختمان، ماهیگیران در خلیج فارس و دریای عمان، کارگران اسکله در بندرهای جنوب کشور و جزایر ایران با بیکاری دست و پنجه نرم می‌کنند. با حمله وحشیانه و هدفمند به صنعت پولاد ایران و بمباران چند مرکز تولید خصوصاً مجتمع پولاد مبارکه اصفهان ۲۰ هزار کارگر به‌طور مستقیم شغل خود را از دست داده‌اند. این‌ها در کنار تخریب مدارس و بیمارستان‌ها خسارت‌هایی است که نه‌تنها بنیه تولیدی کشور و امر بهداشت، سلامت، و آموزش را تحت تاثیر مخرب قرار داده، بلکه منافع و امنیت شغلی طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی را نابود کرده است.

پیش از تجاوز نظامی به‌کشور در آذر ماه سال گذشته، اعتراض به عواقب اقتصادی و شرایط معیشت زحمتکشان در اثر افزایش نرخ ارز و اعتصاب در بازار تهران به‌سرعت تمام استان‌های کشور را دربر گرفت. نقش نارضایتی اجتماعی و معیشتی در گسترش این اعتراض‌ها به‌ویژه در بین زحمتکشان و لایه‌های تهیدست جامعه به‌وضوح دیده می‌شود. قبل از آغاز این اعتراض‌ها در آذرماه ۱۴۰۴، میهن ما شاهد گسترش حرکت‌های اعتراضی کارگران و سایر زحمتکشان در رویارویی با سیاست های اقتصادی-اجتماعی رژیم جمهوری اسلامی بود. از این جمله اعتراض‌ها می‌توان اعتصاب دوهفته‌ایِ کارگران معدن زرشوران تکاب، اعتصابات هفتگی کارگران نفت و گاز، تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان و اعتصاب کارگران شرکت قند خاورمیانه را نام برد. افزون بر آن در سالی که گذشت کارگران در اکثر صنایع راهبردی از نفت، گاز، پتروشیمی، و فولاد گرفته تا برق و توانیر، راه آهن و مخابرات با تأکید بر مطالبه‌های صنفی و سیاسی از جمله امنیت شغلی، افزایش مزد مطابق با نرخ تورم و هزینه سبد معیشت و برای جلوگیری از برنامه‌های خصوصی سازی ویرانگر به حرکت‌های اعتراضی و درنهایت به اعتصاب روی آوردند. با تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم نژادپرست اسرائیل به میهن ما ضربهٔ سختی به جنبش کارگری وارد آمد و خواست‌های طبقهٔ کارگر عمدتاً در پیامد جنگ، تجاوز، و بمباران‌های روزانه در سایه قرار گرفت. پیدایش چنین شرایطی که می تواند ضعیف‌تر شدن جنبش کارگری را به‌همراه داشته باشد، تنها دلخواه نیروهای طرفدار برنامه‌های ضد کارگری تعدیل ساختاری در دولت جمهوری اسلامی نیست، بلکه نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم آمریکا در خارج از کشور نیز در برنامه‌های اقتصادی‌شان بر پیشبرد سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی تاکید می‌ورزند.

جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیست اسرائیل پویهٔ رشد و ارتقای سطح سازماندهی و همبستگی در جنبش کارگری و سندیکایی را تحت تاثیر قرار داد. این تاثیر منفی تا حدی معین در وضعیت کنونی به توقف مسیر رشد جنبش کارگری منجر شده است. باید توجه داشت این توقف موقتی و گذرا است، اما از اثرهای منفی آن نمی‌توان غافل بود. به‌طورکلی جنگ تجاوزکارانه اثرهایی منفی حداقل در کوتاه‌مدت بر کمیت و کیفیت جنبش کارگری و امکانات و قدرت مانور آن باقی خواهد گذاشت.

درطول یک سال گذشته گسترش اعتراض‌ها برای مطالبه‌های صنفی توسط کارکنان صنعت نفت که مسئول تولید بخش مهمی از درآمد ملی هستند، در تابستان سال گذشته در مجموعه جنبش کارگری ایران بسیار اثرگذار بود. پیش از آن نیز مبارزات کارگران پروژه‌ای و ارکان ثالث در صنعت نفت و سایر بخش‌های راهبردی اقتصاد در سراسر کشور فرا گیر شده بودند. خواست‌های اصلی کارگران پروژه‌ای دستمزدِ عادلانه، حذفِ پیمانکارهای دلال نیروی کار، تامینِ امنیت شغلی، و ایمنی محیط کار و اجرایِ طرح ۱۴ روز کار ۱۴ روز مرخصی را شامل می‌شد.

همچنین حرکت‌های اعتراضی برای خواسته دستمزد و مزایای عادلانه کارگران در سال گذشته و پیش از تجاوز نظامی به اوج خود رسید. در این اعتصاب بیش از ۵ هزار تن از کارگران پیمانی پالایشگاه‌های پارس جنوبی، از نقطه‌های مختلف برای دستمزد و مزایای عادلانه و همسان سازی آن، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و ساماندهی وضعیت رانندگان، پرداختِ هزینهٔ قطع امکانات، ساماندهی وضعیت نیروهای ایمنی پشتیبان و روزمزد و همچنین رعایت قانون کار و عُرفِ کارگاهی برای تمام گروه‌هایی که در محدودهٔ پالایشگاه‌ها فعالیت می کنند، راهپیمایی کردند. این اعتصاب با فشار توده‌های کارگر موجب انزوای رهبری تشکل‌های زرد حکومتی شد. نکته‌ای که در مجموعهٔ مبارزات یک سال اخیر شایان توجه است.

با توجه به نرخ فزاینده تورم و افزایش سرسام‌آور بهای ارزاق عمومی و حذف شدنِ یارانه‌ها، دستمزدهای منطبق با هزینه سبد معیشت کماکان یکی از مهم‌ترین مطالبه‌ها برای همهٔ زحمتکشان است. افزایش سریع نرخ تورم که از ابتدای سال گذشته ادامه داشت، باعث شد که افزایش دستمزدِ مصوبهٔ شورای‌عالی کار بر اساس نرخ تورم، عملا اثر ناچیز خود را از دست بدهد و خیلی زود یعنی از همان ابتدای تابستان ۱۴۰۴ قدرت خرید کارگران نسبت به سال قبل به‌طور محسوسی کاهش یابد.

پس از آن نیز در اسفندماه سال گذشته در حالی که کشور در زیر بمباران امپریالیسم آمریکا و اسراییل جنایتکار قرار داشت، نقش منفی رهبری تشکل‌های زرد کارگری (شوراهای اسلامی کار و خانهٔ کارگر) در شورای‌عالی کار برای محدود کردن حداقل دستمزد و مزایا به افزایشی ۶۰ درصدی، افزایشی که هیچ قرابتی با هزینهٔ سبد معیشت ندارد، به‌روشنی دیده می‌شد. این سیاست ضد کارگری همراه با گسترش بیکاری در زمان جنگ، زندگی کارگران و سایر زحمتکشان را بیش از پیش دشوارتر کرده است.

همان‌گونه که اشاره کردیم، طبقهٔ کارگر و زحمتکشان در زمان تجاوز نظامی وحشیانهٔ امپریالیسم و عامل سرسپردهٔ هار آن یعنی اسرائیل در دفاع از میهن و دفع تجاوز نظامی ایستادگی کرده و قَهرمانی‌ها آفریدند. اما حکومت جمهوری اسلامی به‌جای پاسخ به این نقش برجسته و بی‌بدیل، ادامه دادن به اجرای سیاست برنامهٔ جراحی اقتصادی و به‌موازات آن سرکوبگری بوده است. موضوع‌های حیاتی کارگران و زحمتکشان برای رژیم ولایت فقیه و دستگاه حاکمه کنونی فاقد اهمیت است. موضوع‌های حیاتی عبارتند از بیمه بیکاری فراگیر شامل همهٔ کارگرانی که در اثر جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم و عامل جنایتکار آن اسرائیل شغل خود را از دست داده‌اند، حذف کامل پیمانکاران نیروی کار یعنی دلال‌ها، پوشش همه‌شمول بیمه و هزینهٔ درمان برای همهٔ کارگران بدون استثناء به‌ویژه زنان کارگر و سرپرست خانوار، حمایت‌هایی مانند تهیهٔ اقلام خوراکی برای خانوارهای کارگری با تقویت تعاونی‌های مصرف کارگری، افزایش و پرداخت دستمزد و مزایا بدون تاخیر، حق برخورداری از تشکل مستقل یعنی سندیکا به‌عنوان سازمان پایهٔ طبقاتی که در دورهٔ بازسازی صنایع بمباران‌شده حقوق زحمتکشان را نمایندگی کنند و نظایر آن. به‌این ترتیب حقوق و منافع طبقه کارگر و زحمتکشان نه‌تنها نادیده و پایمال می‌شود، بلکه این بار نیز دستگاه حاکمه بار سنگین ناشی از جنگ را به‌زندگی زحمتکشان تحمیل می‌کند. ارزیابی جنبش مبارزاتی طبقه کارگر در یک سال

ادامه در صفحه ۱۱

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۰۹

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری، اعتصاب‌ها، ...

بازنشستگان و زنان کارگر در استان گیلان پرداخت و مشکلات گسترده اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را مورد بررسی قرار داد. مهدوی با اشاره به اینکه حدود ۲۰۰ هزار بازنشسته در استان گیلان زندگی می‌کنند، گفت، استان گیلان در ده سال اخیر از نظر میزان فوتی بازنشستگان، رتبه بالایی در کشور دارد و بسیاری از خانواده‌ها تحت فشار هستند... بسیاری از زنان بازنشسته بی‌سرپرست هستند و با داشتن چند فرزند و حقوق ناچیز، زندگی آنان بسیار دشوار است. برخی مجبورند برای گذران زندگی کارهای جانبی کم‌درآمد انجام دهند چراکه با مستمری پایین نمی‌توانند یک هفته زندگی خود و فرزندان‌شان را تامین کنند." مهدوی درباره وضعیت زنان کارگر نیز اظهار داشت: "بیکاری در میان زنان جوان در استان گیلان بیداد می‌کند و بسیاری از کارگاه‌ها و صنایع کوچک، شرایط ناگواری از جمله قراردادهای کوتاه‌مدت، حقوق پایین و عدم پرداخت اضافه‌کاری دارند. در برخی کارگاه‌ها، حقوق زنان کمتر از مردان است و بسیاری از کارگران حتی قرارداد رسمی ندارند. این شرایط باعث شده زنان کارگر از حقوق قانونی خود محروم شوند... کارخانجات سنتی مانند نساجی تعطیل شده‌اند و کارخانه فرش گیلان نیز به نمایشگاه تبدیل شده است. صنایع فعال مانند ایران‌برک و ایران‌پوبلین، تعداد کمی کارگر دارند و تولید آن‌ها محدود است. متاسفانه حتی در اداره کار، نهادی که باید متولی حفظ شرایط و حقوق کارگران باشد، بسیاری از کارکنان با سابقه طولانی هنوز استخدام رسمی نشده‌اند و حقوق کامل دریافت نمی‌کنند. .. از وزیر کار و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی می‌خواهم که به وضعیت بازنشستگان و زنان کارگر استان گیلان رسیدگی کنند و توجه ویژه‌ای به زنان سرپرست خانوار داشته باشند. استان گیلان در بسیاری از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در وضعیت بحرانی است و نیازمند اقدام فوری و نظارت دقیق مسئولان است."

با آغاز جنگ و به‌بهانه شرایط جنگی، کارفرمایان استثمار کارگران زن را نیز تشدید کرده‌اند. سمیه که برای یکی از شرکت‌های پروژه‌ای کار می‌کند ۱۳ فروردین سال جاری به خبرنگار ایلنا گفت: "در ایام جنگی عملاً کار ما تعطیل شده یا به شدت آسیب دیده است. چه در این جنگ و چه در جنگ ۱۲ روزه، کار ما دیگر تعطیل می‌شود. زمانی هم که شرکت کار را تعطیل می‌کند، چون پروژه جدیدی نمی‌گیرد، حقوقی هم به ما نمی‌دهد. این مسئله باعث می‌شود اگر این شرایط ادامه‌دار بشود، مجبور شویم به عنوان کارگر مزدی به فکر شغل‌های دیگری باشیم." سمیرا، یکی از کارگران کارخانه کنسروسازی نیز می‌گوید: "از روز اول جنگ تا الان ما روزی ۱۴ ساعت کار می‌کنیم؛ از ۶ و نیم صبح تا ۸ و نیم شب سرکار هستیم و بعضی از کارگران حتی تا ساعت ۱۱ و نیم شب هم می‌مانند. شرکت برای جبران کمبود نیرویی که داشت، از کودکان زیر سن قانونی و کارگران روزمزد استفاده می‌کند. هیچ قرارداد کاری‌ای با این نیروهای اضافه بسته نشده و به شکل کاملاً غیرقانونی از آن‌ها کار می‌کشند... ما اصلاً زندگی نمی‌کنیم، عملاً هیچ استراحتی نداریم و مانند ربات کار می‌کنیم." پریا، یک کارگر زن دیگری که به یک پیمانکار در یکی از شرکت‌های تصفیه فاضلاب کار می‌کند از "تاخیرهای وحشتناک در پرداخت" شکایت می‌کند و می‌گوید: "از دی‌ماه هیچ حقوقی دریافت نکرده بودیم تا اینکه تازه در تاریخ ۲۵ اسفند تنها یک پایه حقوق را پرداخت کردند. هنوز دو ماه حقوق، سنوات و عیدانه، هم برای خانم‌ها و هم برای آقایان پرداخت نشده است."

مبارزهٔ کارگران صنعت نفت علیه تبعیض و برای امنیت شغلی و دستمزد بالای خط فقر

در تاریخ ۱۸ آذرماه ۱۴۰۴، تجمعی عظیم با حضور بیش از ۵ هزار نفر از کارگران پیمانکاری مجتمع گاز پارس جنوبی برگزار شد. مهم‌ترین خواسته‌های کارگران عبارت بودند از: "۱. اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل با رویکرد 'نظام همسان‌سازی دستمزد' و رفع تبعیض‌های مزدی... ۲. اصلاح سیستم اقماری: اجرای طرح دو هفته کار و دو هفته استراحت برای نیروهای اداری و پشتیبانی... ۳. ساماندهی وضعیت شغلی: تعیین تکلیف رانندگان، نیروهای ایمنی پشتیبان و کارگران روزمزدی ... ۴. تسهیلات رفاهی و تردد: برقراری سیستم ایاب و ذهاب هوایی برای نیروهای غیربومی، پرداخت هزینه قطع امکانات، حق کمپ و حق خوابگاه... ۵. رعایت قانون کار: التزام پیمانکاران به رعایت عرف کارگاهی و مفاد قانون کار برای تمامی گروه‌های شاغل در محدوده پالایشگاه." در ادامه اعتراض‌های کارگری در صنعت نفت، نوزدهم بهمن‌ماه، کارگران پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای پنجمین روز متوالی در اعتراض به شرایط رفاهی، دست به اعتصاب زدند." در ادامه، ۲۱ بهمن‌ماه کارگران پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای ششمین روز متوالی در اعتراض به وضعیت شغلی خود دست به اعتصاب زدند. "بد بودن شرایط رفاهی، تراکم خوابگاه‌ها و گرانی اجاره مسکن، عدم پرداخت هزینهٔ قطع امکاناتی چون حق کمپ یا خوابگاه و نواقص جدی در پرداخت کامل اضافه‌کارها از مهم‌ترین دلایل اعتراض کارگران بود. کارگران گفتند: "مسئولان به‌جای حل مسئله، اعلام کرده‌اند که در صورت تداوم اعتصاب، نه تنها کسورات در اضافه‌کار اعمال خواهد شد، بلکه فضا را بر آن‌ها تنگ‌تر خواهند کرد."

بعد از کشتار وسیع مردم بیگناه توسط سپاه پاسدارن رژیم ولایی در دی‌ماه، دو تشکل کارگران صنعت نفت یعنی "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت" و "شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)" بیانیه‌ای مشترک صادر کردند و در بیانیه خود نوشتند: "با هیچ درجه از کشتار به عقب برنمی‌گردیم. ما همه دادخواهیم! عاملان و آمران قتل عزیزان‌مان باید محاکمه و مجازات شوند!... ما کارگران و مردم با این همه کشت و کشتار و رگبار و گلوله مزدورانی که اغلب وارداتی و از مرزهای عراق و سوریه و لبنان بودند، به‌هیچ‌ترتیب به شرایط قبل باز نخواهیم گشت و به نظم دلخواه شما تمکین نخواهیم کرد."

قبل از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و دولت جنایتکار اسرائیل به کشورمان، در مورد مزد و معیشت کارگران در ایران، ۹ اسفند ۱۴۰۴، خبرنگار ایلنا نوشت: "دولت‌ها همواره از جعبه‌ابزار خود، حربه‌های متنوعی را بیرون می‌کشند تا صدای این طبقه را در نطفه خفه کنند. .... این سناریوی تکراری با 'کارشکنی اداری' آغاز می‌شود؛ فرایندی فرسایشی که هدفش ناامید کردن کارگر در همان گام‌های نخستین تشکل یابی است." در همان گزارش کارگر ارکان ثالث نفت و گاز، مهران ربانی، با تاکید بر "بازیچه شدن" توسط سیاستمداران و فرجام وعده‌های بی‌پایان" در هفت سال مطالبه‌گری‌ها از زمان دولت دوازدهم و مجلس دهم با طرحی‌ای تحت عنوان: "عقد قرارداد مستقیم با نیروهای خدماتی و دستگاه‌های اجرایی" در کمیسیون مربوطه به‌تصویب رسیده بود. در ادامهٔ این مطالبه‌گری‌ها و در سال ۱۴۰۴، ربانی می‌گوید: "ما شش تجمع اعتراضی بزرگ با جمعیتی بالغ بر هزار نفر مقابل مجلس، شورای نگهبان، و نهاد ریاست‌جمهوری برگزار کردیم و تنها خواسته‌مان این بود که آقایان به وعده‌های خود عمل کنند، اما به جایی نرسیدیم... اخیراً و دقیقاً هم‌زمان با تشدید تهدیدات خارجی، آقای قالیباف مجدداً اظهاراتی را مطرح کرده و تنور این مباحث را داغ کردند. این رفتار بی‌شباهت به دوران جنگ ۱۲ روزه نیست که در آستانهٔ بحران، شعارهای حمایتی سر داده می‌شد. به‌اعتقاد من، آقایان هر زمان که احساس خطر می‌کنند، قصد دارند با این قبیل سخنان، سرمایه اجتماعی را به‌صورت مقطعی با خود همراه سازند، اما به‌محض اینکه از بحران عبور می‌کنند، همه‌چیز را فراموش می‌کنند. ... گویی این مسئولان اساساً دغدغهٔ استفاده از افراد متخصص و تحصیل‌کرده را ندارند. همکاران ما شاهدند که فردی با تنها دو سال سابقه کار و بدون برخورداری از مدرک تحصیلی مرتبط، صرفاً به‌واسطه روابط یا استفاده از سهمیه‌های خاص، به استخدام رسمی درمی‌آید، اما نیرویی مانند من، با مدرک دکترا و ۱۳ سال سابقه کار تخصصی، همچنان در قالب نیروی پیمانکاری باقی مانده است." در پاسخ به سؤالی که آیا امیدی به تحقق این وعده‌ها وجود دارد؟ ربانی می‌گوید: "اگر همچنان به این وعده‌ها دل‌خوش باشیم، نشان‌دهنده ساده‌لوحی ماست؛ چراکه انسان عاقل از یک سوراخ دو بار گزیده نمی‌شود، درحالی‌که ما هفت سال است که به‌طورمستمر در حال گزیده شدن هستیم."

متاسفانه در تجاوز نظامی و حمله‌های امپریالیسم آمریکا و دولت جنایتکار اسرائیل به صنایع پتروشیمی ماهشهر در ۱۵ فروردین‌ماه، ۶ تن از کارگران جان باختند و ۱۹ نفر دیگر مجروح شدند. با تاکید بر اینکه "شرکت‌هایی که در این جنگ مورد هجوم قرار گرفته و آسیب دیده‌اند، هر کدام دارای نیروی کار عظیمی، از هفتصد تا پنج هزار نفر هستند"، ۱۸ فروردین‌ماه ابراهیم پیرایش، دبیر اجرایی خانه کارگر شهر بندر امام در مورد شرایط معیشتی کارگران جان‌باخته و مجروح شده به ایلنا گفت: "متأسفانه تا پیش از این اوضاع، قانون کار حاکمیت بلامنازعی نداشت و هر گروه، صنف یا ارگانی تنها برای منافع خود به صورت فراقانونی عمل می‌کرد. هر جا کارگر حقی داشت و مطالبه‌ای می‌کرد، متأسفانه به داد او نمی‌رسیدند؛ اما اکنون در این وضعیت جنگی، همه به وضوح می‌بینند که کارگر واقعاً سنگِ زیرینِ آسیاب و سرباز خط مقدم اقتصاد است و دولت باید فکری به حال آن‌ها بکند... وضعیت فعلی کارگران به‌هیچ‌وجه خوب نیست. بنده به‌عنوان یک کارگر شاغل، به‌جرأت می‌گویم که در روزهای ابتدایی ماه (پنجم یا ششم برج) پولی در حسابم باقی نمانده است. اگر اقتصاد خانوادهِ کارگر از پا بیفتد و بخوابد، طبیعتاً نمی‌تواند چرخ اقتصاد کشور را سر پا نگه دارد." در مورد اقدامات دولت برای تامین امنیت جانی کارگران در محیط‌های صنعتی، پیرایش افزود: "واقعیت غیرقابل کتمان این است که در ساختار جنگ، امنیت تضمین‌شده‌ای برای کارگر وجود ندارد... حداقل کاری که دولت باید انجام دهد، حمایت مالی از کارگرانی است که در مناطق پرخطر مشغول به کار هستند تا بتوانند بدون دغدغه معیشتی، چرخه کار را پیش ببرند." همچنین علی کریمی، مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان زنجان، ۱۸ فروردین‌ماه از جان باختن ۳۴ کارگر و زخمی شدن ۳۳ نفر کارگر دیگر در تجاوز نظامی به کشورمان خبر داد.

مبارزهٔ کارگران معدن برای دستمزد بالای **ادامه در صفحه ۴**

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری، اعتصاب‌ها، ...

خط فقر و امنیت شغلی

به‌رغم دستیابی به سودهای کلان از کار کارگران معادن، کارگزاران رژیم ولایت فقیه شدیداً کارگران معادن را استثمار کرده و همیشه مبارزه این زحمتکشان را سرکوب کرده‌اند. نمونه‌هایی از مبارزه کارگران معادن دغال‌سنگ در زیر می‌آید:

بر اساس گزارش ۲۷ بهمن‌ماه ایلنا، در شرایطی که تورم مواد خوراکی ۹۰ درصد بود، به‌علت دریافت نکردن دستمزدهای مهر و آبان ۱۴۰۴ خود، کارگران معدن ذغال‌سنگ هشونی تجمع‌هایی اعتراضی برگزار کردند. چون مدیریت معدن و حراست جواب کارگران را ندادند، اواخر آبان کارگران به کرمان رفتند و سه چهار روز جلوی مجموعه مدیریت شرکت تجمع اعتراضی برگزار کردند. چون پنجشنبه و جمعه مدیریت حتا در تجمع اعتراضی کارگران ظاهر نشد، روز شنبه کارگران همراه زن و بچه خود راهی کرمان شدند و از فرمانداری قول پرداخت دستمزدهای معوقه را گرفتند. بنا بر گفته کارگران، شرکت علیه ۵ نفر از کارگران شکایت کرد و ۲۴ دی‌ماه کارگران از دریافت احضاریه‌ای خبر دادند. شرکت با "اغتشاش‌گر" خواندن کارگران، مدعی شده بود که "۳۵ میلیارد تومان بابت هزینه تولید، پول برق و حتی سرویس ایاب و ذهاب خسارت" دیده است. یکی از کارگران گفت: "به جای مزد، باید دنبال وثیقه دادگاه برای همکاران‌مان باشیم. این رسمش نیست." بر اساس گفته علی قاسمی، رئیس حراست شرکت ذغال‌سنگ کرمان، "به‌طورسنتی و از سال‌های قبل، همواره یک ماه تأخیر در پرداخت حقوق در شرکت وجود داشته است." قاسمی همچنین افزود: "تنها برای ۵ نفر از لیدرهای اصلی که در محدوده معدن هشونی و شهرستان کوهبنان فعال بودند، به دلیل اخلال در نظم و تولید و خسارت به شرکت، اقدام قضایی صورت گرفته و پرونده تشکیل شده است... این افراد تفهیم اتهام شده‌اند." از ۵ نفر از کارگرانی که دو ماه دستمزد معوقه داشتند و دستمزدشان به‌هیچ‌وجه جواب‌گوی نیازهای ماهیانه آنان نیست، با به‌اصطلاح "لیدرهای اصلی" خواندن آنان، رژیم فاسد ولایی هدف سرکوب اعتراض برحق کارگران را دارد. در پاسخ به سؤال‌های خبرنگار ایلنا در دوم اسفندماه در رابطه با شکایت ۳۵ میلیارد تومانی کارفرما از کارگران، فرشاد اسماعیلی، کارشناس ارشد حقوق کار و پژوهشگر تامین اجتماعی، گفت: "در چنین پرونده‌هایی، منطق 'حقوق کار' آرام‌آرام کنار زده می‌شود و جای آن را منطق 'حقوق کیفری' می‌گیرد. یعنی در محاکم به‌جای اینکه پرسیده شود 'چرا مزد پرداخت نشده؟'، پرسیده می‌شود 'چرا کارگر اعتراض کرده؟'... اعتراض، در ساده‌ترین معنا، 'ابزار بقا' است... این همان نقطه‌ای است که اعتصاب معنای واقعی پیدا می‌کند: نه به‌عنوان ابزار برهم‌زدن نظم، بلکه به‌عنوان ابزار حفظ حداقل‌های زندگی... متاسفانه آنچه در برخی پرونده‌ها دیده می‌شود، دقیقاً برعکس این منطق حقوقی است. به‌جای اینکه پرسیده شود چرا حق پرداخت نشده، پرسیده می‌شود چرا صدای اعتراض بلند شده است... کارفرمایی که خودش باعدم پرداخت حقوق باعث ایجاد بحران شده، در واقع خودش علیه خودش اقدام کرده است. عامل اصلی توقف کار اعتصاب کارگر نیست، بلکه بدعهدی کارفرما در پرداخت مزد است که کارگر را ناچار به واکنش کرده است. قاضی باید از کارفرما بپرسد: 'تو در این وضعیت چرا به تکالیف قانونی‌ات عمل نکردی؟'"

در اواخر سال ۱۴۰۴ و با وجود تورم ۹۰ درصدی مواد غذایی و افزایش هزینه‌های زندگی خانوار به ۸۰ میلیون تومان در ماه، میانگین دستمزد کارگران معادن ذغال‌سنگ ۱۶ میلیون در ماه بود. با آغاز تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و کشور نژادپرست اسرائیل به کشورمان، در برخی معادن ذغال‌سنگ کارفرمایان تعدادی از کارگران مسن و در آستانهٔ بازنشستگی را اخراج کردند. به‌عنوان نمونه‌ای در این مورد، ۸ فروردین‌ماه، ابراهیم رحیمیان، دبیر اجرایی خانه کارگر طبس به ایلنا گفت: "حتی در ماه‌های اخیر مشاهده شده که برخی کارفرمایان اقدام به تعدیل نیرو کرده‌اند. برای مثال، در یکی از شرکت‌ها شاهد بودیم که کارگرانی که تنها چند ماه تا بازنشستگی فاصله داشتند تعدیل شدند. این کارگران با حداقل حقوق و از طریق بیمه بیکاری به سمت بازنشستگی سوق داده می‌شوند که باعث می‌شود مستمری آنها پایین بیاید و زحمات سال‌ها کار سخت‌شان به باد رود." در حالی‌که کارگران معدن اندوخته‌ای ندارند، رحیمیان در مورد کارگران در آستانه بازنشستگی گفت: "در این میان، سازمان تأمین اجتماعی نیز برای وصول مطالبات خود، از جمله حق بیمه و برخی پرداخت‌های قانونی نظیر سهم ۴ درصدی موضوع مشاغل سخت و زیان‌آور، فشار مضاعفی وارد می‌کند. درنتیجه، در مواردی مشاهده شده که کارگران مشاغل سخت که موعد بازنشستگی آنها رسیده به‌دلیل عدم تسویه این ۴درصد از سوی کارفرما، امکان بازنشستگی پیدا نمی‌کنند." به‌عبارت‌دیگر، این کارگران نیز یا باید بدون مستمری بازنشست شوند و یا سال‌های بیشتری در معدن کار کنند. بار دیگر رحیمیان، ۱۷ فروردین‌ماه سال جاری در گفتگو با خبرنگار ایلنا از اخراج تعداد زیاد کارگران متخصص و با سابقهٔ شرکت تولیدی فلوراسپار خبر داد. رحیمیان با اشاره به اینکه "این شرکت یک بدهی سنگین تحت عنوان حقوق دولتی دارد"، افزود: "این شرکت حدود ۲۰ تا ۲۵ کارگر متخصص خود را اخراج کرده است. برخی از این کارگران تنها چند ماه تا رسیدن به دورهٔ بازنشستگی خود فاصله داشتند." کارگران نیز نگرانند که شرکت ۴درصد بازنشستگی سخت و زیان‌آور آن‌ها را پرداخت نکند.

مبارزهٔ کارگران فولاد برای دستمزدِ انسانی، امنیتِ شغلی، و حقِ تشکل‌یابی، و علیه تبعیضِ ساختاری

یا تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم نژادپرست اسرائیل به کشورمان، تعدادی از کارخانه‌های فولاد بمب‌باران شدند و تعدادی از کارگران کشورمان نیز جان خود را از دست دادند. قبل از آغاز جنگ، کارگران فولاد همیشه با مدیران منصوب شده رژیم ضدملی و تبعض و استثمار پیمانکاران تحمیلی آنان درگیر بودند. در سال‌های دهه‌های اخیر این کارگران مبارزهٔ قابل تحسینی برای دستمزد، امنیت شغلی، بیمه، و امکانات درمانی و حق تشکل‌یابی به پیش برده‌اند. به‌عنوان نمونه، از بمب‌باران کارخانه‌های فولاد کشورمان، ۱۲ فروردین سال جاری میثم باباخانیان، رئیس آتش نشانی بروجن، از حمله به فولاد سفیددشت خبر داد. قبلاً تعدادی از کارخانه‌های فولاد مانند خوزستان و مبارکه اصفهان بمب‌باران شده بودند. به‌عنوان نمونه‌هایی از مبارزهٔ کارگران فولاد، ۹ اسفند ۱۴۰۴، کارگران فولاد سیادان ابهر با ۲۸۰ کارگر از امکان تعطیلی و مشکلات همیشگی خود خبر دادند. اصغر نجاری، دبیر اجرایی خانه کارگر زنجان در گفتگویی با خبرنگار ایلنا در مورد این مشکلات گفت: "کارگران به اهرم فشار تبدیل شده‌اند... این نگرانی وجود دارد که با تعطیلی و پرداخت نکردن حقوق، کارگران به‌نوعی تبدیل به ابزار فشاری بر دولت شوند تا بدون تسویه بدهی، برق کارخانه وصل شود. اگر چنین نگاهی وجود داشته باشد، رویکردی فرصت‌طلبانه است... طبق اطلاعات بنده، کارفرما در جلسات مرتبط حضور مستقیم پیدا نمی‌کند و نماینده می‌فرستد. در تماس‌ها وعدهٔ حل مشکل می‌دهد، اما در عمل اقدام جدی صورت نمی‌گیرد. حتی این شائبه وجود دارد که کارگران ترغیب شوند در رسانه‌ها اعلام کنند برق کارخانه قطع شده و تولید خوابیده تا دولت اقدام به وصل کردن برق کند، در حالی که ریشه موضوع بدهی پرداخت‌نشده است... ما از این شرکت خاطره خوبی نداریم. در گذشته حادثه‌ای رخ داد که ۴ الی ۵ کارگر این کارخانه داخل یک مخزن دچار خفگی شدند. اگر تجهیزات ایمنی و ماسک در اختیارشان قرار می‌گرفت، این اتفاق نمی‌افتاد. کارگران بدون تجهیزات ایمنی مناسب به داخل مخزن فرستاده شده بودند تا وضعیت دیگران را بررسی کنند. این نوعی قتل عمد است، اتفاق بسیار تلخی بود و هنوز در ذهن جامعه کارگری استان باقی مانده است. ... اگرچه در بسیاری از واحدها دولت هم در ایجاد گره‌ها سهم دارد و در حوزه نظارت و مدیریت کلان اشکالاتی وجود دارد." خبرنگار ایلنا نوشت: "تلاش خبرنگار ایلنا برای پیگیری روند بررسی مشکلات کارگران این کارخانه از اداره کار شهرستان ابهر به نتیجه نرسید."

در شرایطی که به‌علت تجاوز نظامی به کشورمان صدها کارخانه در شهرهای صنعتی ویران شده‌اند و هزاران کارگر شغل خود را از دست داده‌اند، بار دیگر ۱۷ فروردین‌ماه تعدادی از کارگران کارخانه فولاد سیادان ابهر با سابقه ۱۵ تا ۲۰ ساله، در گفتگویی با ایلنا به تصمیم کارفرما برای تعطیلی کارخانه اعتراض کردند. کارگران دو ماه حقوق معوقه دارند و اعلام کردند کارفرما به‌بهانهٔ انباشت بدهی‌ها به اداره برق و گاز هدف تعطیلی کارخانه را دارد. کارگران همچنین افزودند: "این کارخانه هیچ مشکل خاصی در زمینه تولید و فروش محصولات خود ندارد. در حال حاضر اگر مشکل اتصال برق کارخانه حل شود ما امکان تولید انواع میلگرد را حتی در سه شیفت داریم... با تعطیلی کارخانه هیچ تضمینی برای اشتغال دوباره آن‌ها وجود ندارد. در عین حال تعطیلی کارگران مشاغل تولیدی و صنعتی که کمک اقتصادی دولت هستند، کار درستی نیست؛ علاوه بر این، پرداخت مقرری بیمه بیکاری به کارگران این کارخانه‌ها هزینه مضاعفی است برای دولت و صندوق بیمه بیکاری... فولاد سیادن به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های تولیدی کشور در زمینه تولید انواع میلگرد است؛ این کارخانه در حال حاضر حدود ۲۸۰ کارگر دارد که البته امنیت شغلی آن‌ها به‌خطر افتاده است."

نمونه‌هایی دیگر از مبارزه کارگران فولاد، روز ۲۲ آذرماه ۱۴۰۴، کارگران فولاد پاسارگاد فارس در اعتراض به سطح پایه حقوق و مزایای خود مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند. بازنگری در ساختار حقوق و دستمزد، توجه به شایسته سالاری در انتصاب مدیران و رفع نگرانی‌ها درباره تبعیض از جمله مطالبات این کارگران بود و کارگران پلاکاردهایی در دست داشتند که روی آن‌ها شعارهایی از جمله 'کارد به استخوان رسیده' و 'بی‌عدالتی و غم نان تا کی' به چشم می‌خورد. روز دوشنبه ۷ مهرماه، کارگران گروه ملی فولاد ایران در اهواز در اعتراض به بی‌توجهی به مطالبات خود مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند؛ سپس به سوی فرمانداری اهواز راهپیمایی کردند. این اعتراضات از بیش از ده روز قبل آغاز شده بود. این

ادامه در صفحه ۵

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری، اعتصاب‌ها، ...

کارگران به "عدم پرداخت حقوق مرداد و شهریورماه و همچنین قطع اضافه‌کارها و پاداش‌ها و مزایای کارکنان و همچنین کاهش تولید معترض بودند. خبرنگار ایلنا در این مورد نوشت: "گفتنی است، مدیران کارخانه وعدهٔ پیگیری مطالبات داده‌اند، قرار بود تا روز گذشته معوقات مزدی کارگران پرداخت شود اما چون وعده‌ها محقق نشده، کارگران امروز مجدداً تجمعات خود را از سر گرفتند."

مبارزهٔ کارگران قطار و مترو برای دستمزد بالایِ "خط فقر" و امنیتِ شغلی

تحمیل پیمانکاران به کارگران قطار با سال‌ها سابقه کار و قراردادهای چند ماهه، پویهٔ رژیم ولایت فقیه برای استثمار حداکثری این زحمتکشان بوده است. شماری از کارگران پیمانکاری شاغل راه‌آهن لرستان که در بخش نگهداری از خطوط ریلی کار می‌کنند، ۲۰ فروردین‌ماه ۱۴۰۵، به تبعیض‌های اِعمال شده در این شرکت‌ها در خصوص پرداخت مزایای مناسبتی اشاره کرده و افزودند: "برای روزهای مناسبتی شرکت راه‌آهن به حساب همه کارگران رسمی و تجمعی خود مبالغی را واریز می کند اما به حساب کارگران پیمانکاری چیزی واریز نمی شود." همچنین ۱۲ فروردین‌ماه ۱۴۰۵، جمعی از کارگران و کارکنان امور نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن در اقصیٰ نقاط کشور با ارسال نامه‌ای سرگشاده، در مورد مشکلات صنفی، معیشتی و شغلی خود نوشتند: "این نامه را از جانب کارگران و کارمندان امور نگهداری خط و ابنیه فنی راه‌آهن در اقصی نقاط کشور می‌نویسم تا دغدغه‌های واقعی و شرایط دشوار صنفی خود را به‌روشنی بیان کنیم.... نگهداری خطوط ریلی، به‌عنوان قلب تپندهٔ شبکه ریلی کشور، در تمام شرایط جوی از گرمای طاقت‌فرسای تابستان تا سرمای استخوان‌سوز زمستان و در شرایط امنیتی دشوار جنگی سال ۱۴۰۴ (که دو بار اتفاق افتاد و همچنان ادامه دارد)، شبانه‌روز با اعزام به درزین‌های پیشرو، عملیات نگهبانی و افزایش هوشیاری، ایمنی خطوط ریلی را در طول این بحران حفظ کرده‌ایم... اما آنچه اکنون ما را بیش از هر زمان دیگری آزرده است، نگرانی دربارهٔ آینده و امنیت شغلی ماست: قراردادهای موقت و نامنظم، قراردادهای ۱/۲ و ۳ ماهه ما، آینده‌ای نامشخص را رقم می‌زند و هیچ‌گونه آرامش و انگیزه‌ای برای ادامه کار ایجاد نمی‌کند".... تبعیض در کارگاه‌ها و مناطق، "تفاوت‌های آشکار در شرایط کاری و مزایا میان مناطق مختلف و کارگاه‌ها، احساس بی‌عدالتی را در بین پرسنل تشدید کرده است." این کارگران افزودند: "استدعا داریم تا با نگاهی انسانی و عدالت‌محور، نسبت به موارد زیر اقدام فرمایید: تبدیل وضعیت پرسنل قراردادی و تضمین امنیت شغلی آن‌ها با ارائه قراردادهای حداقل یکساله، رفع تبعیض در مزایا و حقوق بین مناطق و کارگاه‌ها، بهبود شرایط پرداخت بیمه و مزایای رفاهی متناسب با سختی کار، تغییر نگرش مدیریتی به جایگاه واقعی کارکنان نگهداری."

بهمن‌ماه ۲۰ کارگر ابنیه فنی شاغل در ایستگاه لرستان اخراج شدند. این کارگران گفتند: "کارفرما اعلام کرده به دلیل کمبود بودجه امکان ادامه همکاری با ما را ندارد و ما اخراج شدیم... سؤال ما از مسئولان اینست که با این وضعیت اشتغال از کجا معیشت خانواده‌های‌مان را تامین کنیم... در شرایطی از کار بیکار شده‌ایم که فرزندان ما در مدرسه وضعیت بلاتکلیف پیدا کرده‌اند و امکان جابجایی مدارس آن‌ها در این روزهای پایانی سال وجود ندارد." روز ۵ مهرماه ۱۴۰۴، جمعی از لکوموتیورانان که از استان‌های مختلف برای اعتراض به تهران آمده بودند مقابل وزارت راه و شهرسازی تجمع اعتراضی برگزار کردند. کارگران در مورد مهم‌ترین خواسته‌های خود گفتند: "این تجمع پس از ماه‌ها نامه‌نگاری بی‌ثمر و بی‌پاسخ ماندن درخواست‌های به‌حق، به عنوان آخرین چاره برای دادخواهی صورت گرفته است... دستیابی به حداقل‌های معیشتی، شغلی و کرامتی است که سال‌هاست از آن‌ها سلب شده است... همسان‌سازی دستمزد و مزایا با سطح سختی و مسئولیت شغل، اجرای کامل قوانین مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور، پرداخت به‌موقع مزایا و اضافه‌کار، ساماندهی قراردادها و ایجاد امنیت شغلی و تدوین آیین‌نامه‌های شفاف در خصوص ارتقا، آموزش، و رفاه شغلی."

کارگران پیمانکاری و شرکتی ابنیه فنی راه‌آهن زاهدان، ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ از مشکلات پابرجای خود در شغلی سخت و زیان‌آور انتقاد کردند. این کارگران گفتند: "همکاران ما معمولاً نصف هر ماه از درمان بیمه محروم‌اند، بعضی از این کارگران فرزند تالسمی یا سرطانی در خانه دارند و وقتی بیمه درمانی اعتبار ندارد، هزینه‌ها سر به فلک می‌کشند، با حقوق حداقلی نمی‌توانیم خرج درمان بدهیم... ما حدود ۳۰۰ نفریم که خیلی از ما ۱۵، ۱۶ سال سابقه کار داریم اما همچنان شرکتی هستیم و به آینده امیدی نداریم... ما برای بازنشستگی سخت و زیان‌آور مشکل داریم؛ ۴ درصد مشاغل سخت را خیلی از شرکت‌ها پرداخت نمی‌کنند؛ بعضی از کارگران این مبلغ را از جیب خودشان داده‌اند که بتوانند بازنشسته شوند. از شرکت‌ها شکایت کرده‌اند اما هنوز پاسخی نگرفته‌اند... رسمی‌های راه‌آهن مزایای بسیاری دارند که به ما شرکتی‌ها علیرغم کار سخت‌مان تعلق نمی‌گیرد. رسمی‌ها توی سایه و زیر کولر می‌نشینند و پاداش می‌گیرند ولی ما نمی‌گیریم، حتی پاداش روز کارگر را به ما که کارگر هستیم ندادند ولی به رسمی‌ها و قراردادمستقیم‌ها دادند!.. من خطاب به همه مقامات، از رئیس جمهور گرفته تا وزیر راه، با قاطعیت می‌گویم، تا زمانی که شرکت‌ها باشند، مشکلات ما حل نمی‌شود. تنها چاره حذف شرکت‌هاست؛ ما باید قرارداد مستقیم شویم."

بر اساس گزارش ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ ایلنا، ۵ نفر از نمایندگان کارگری نیروهای مترو که تجمع صنفی مسالمت‌آمیزی برگزار کرده بودند باز داشت شدند. در توصیف این واقعه کارگران گفتند: "در آن روز از تجمع‌کنندگان خواسته شد نمایندگانی تعیین کنند و برای بیان مطالبات نزد مدیر منابع انسانی شهرداری بفرستند. ۵ نفر در آن روز تعیین شدند که در بین این افراد یک نفر نمایندهٔ رسمی کارگری و دارای اعتبارنامه وزارت کار و باقی نیز فعالان صنفی بودند. ... در برخی رسانه‌ها اشاره شده که این افراد را حین تجمعی که ۱۰ اردیبهشت‌ماه برگزار شده، گرفته‌اند در حالیکه تنها تجمع صنفی ما در روز ۳۱ فروردین ماه برگزار شد، و این ۵ نفر روز گذشته، ۱۰ اردیبهشت ماه در خانه‌های خود بازداشت شده‌اند.... نمایندگان کارگری باید مصونیت داشته باشند.... ما هر گونه پرونده‌سازی احتمالی علیه همکاران خود را محکوم و تاکید می‌کنیم که مطالبات ما کاملا صنفی و برای دریافت حداقل حقوق قانونی‌مان است."

مبارزهٔ کارگران مخابرات برای حقوق انسانی خود

از زمان به‌اصطلاح خصوصی‌سازی شرکت مخابرات ایران و تسلط سپاه پاسداران بر این شرکت، مالکان جدید تبعض گسترده‌ای به کارگران تحمیل کرده‌اند و اعتراض‌های کارگران را به‌طور شدیدی سرکوب کرده‌اند. این مالکان شرکت‌های پیمانکاری خود را به زندگی کارگران تحمیل کرده‌اند و استثمار کارگران را به وضع شدیدی پیش می‌برند. بخش قابل توجهی از کارگران با حقوق ناچیز با شرکت‌های پیمانکاری قرارداد می‌بندند و سال‌هاست که انتظار اجرای "طرح ساماندهی" برای حذف شرکت‌های پیمانکاری انگلی و تبدیل وضعیت شغلی خود هستند. کارگران تحصیل کرده مخابرات خواهان اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و رتبه‌بندی دقیق برای دریافت حقوق مناسبی هستند. بسیاری از نمایندگان این کارگران با سابقه کاری بالا امنیت شغلی ندارند. گرچه بخش زیادی از کار روی دوش کارگران پیمانکاری مخابرات است، ولی در مقایسه با کارگران رسمی دستمزدهای ناچیزی دریافت می‌کنند. با کشتار وسیع زحمتکشان بی‌گناه در دی‌ماه ۱۴۰۴، رژیم ولایی انتظار داشت به اعتراض‌های کارگران برای دستیابی به حقوق انسانی خود پایان دهد. در صورتی که کارگران پیمانکاری مخابرات کارزارهایی متعدد به‌راه انداخته‌اند. روز ۱۹ بهمن‌ماه، این کارگران گفتند: "در اقدامی عجیب و نگران‌کننده به‌جای رسیدگی به مشکلات، شاهد پاک کردن صورت مسئله هستیم؛ به‌گونه‌ای که بدون ارائه هرگونه توضیح شفاف، روند عدم تمدید قرارداد با شرکت شسکام، به عنوان پیمانکار تامین نیروی انسانی، در پیش گرفته شده و ظاهراً اسناد مناقصه به پیمانکاران محلی و حتی پیمانکاران بسیار خُرد در سطح مراکز مخابراتی واگذار شده است... این اقدام، نگرانی‌ها و نارضایتی‌ها را دوچندان کرده است."

بخش قابل توجهی از کارگران شرکت مخابرات نزدیک به بیست سال سابقه کار دارند؛ یعنی نیروهایی دائمی هستند. به دنبال ارسال نامه‌ای از سوی مدیرعامل شرکت مخابرات به مناطق مختلف، ۵ اسفندماه ۱۴۰۴، محمدعلی مظلومین، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران مخابرات استان تهران گفت: "طبق قانون، نمایندگان کارگران باید از سوی تشکل‌های صنفی مانند انجمن‌های صنفی یا شوراهای اسلامی کار انتخاب شوند و کارفرما هیچ‌گونه حقی در تعیین آن‌ها ندارد. همچنین این نمایندگان نباید از میان رؤسا یا مدیران کل انتخاب شوند. بنابراین آنچه در نامه مدیرعامل به آن اشاره شده خلاف قانون است... در مکاتبه‌ای دیگر، کارکنانی که در سامانه سیمرغ در ارزیابی عملکرد، رتبه‌های پایین C و D دریافت کرده‌اند با ادبیات شبه‌تهدید مواجه شده‌اند. به‌جرأت می‌توان گفت کمتر مدیری تاکنون با چنین ادبیاتی با کارکنان یک مجموعه بزرگ مانند شرکت مخابرات ایران سخن گفته است... نیروهای دائمی با رتبه‌های اشاره‌شده چه تخلفی مرتکب شده‌اند که باید به کمیته انضباطی معرفی شوند؟"

۱۸ آبان سالروز واگذاری شرکت مخابرات ایران در سال ۱۳۸۸ است. در آن روز در راستای اجرای تفسیر جدید از اصل ۴۴ قانون اساسی، شرکت مخابرات به "ستاد اجرایی فرمان امام"، یعنی به سپاه پاسداران واگذار شد. بازنشستگان شرکت مخابرات ۱۸ آبان را "روز سیاه مخابرات" می‌دانند. بازنشستگان مخابرات معترض‌اند که در جریان این واگذاری بخش قابل توجهی از حقوق خود را از دست داده‌اند. حقوقی که هر دوشنبه در بسیاری از استان‌ها مقابل ادارات مخابرات آن را با صدای بلند فریاد می‌زنند، ولی کارگزاران رژیم ولایی به آن توجهی نمی‌کنند. بازنشستگان مخابرات "عدم اجرای کامل آیین‌نامه

ادامه در صفحه ۶

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری، ...

۸۹، عدم به‌روزرسانی خواربار و رفاهیات فریز شده و مشکلات مربوط به بیمه تکمیلی" را از مهم‌ترین خواسته‌های خود در این تجمع‌های اعتراضی عنوان می‌کنند. پائیز ۱۴۰۴، بازنشستگان مخابرات بیش از ۱۰۰ تجمع اعتراضی در اکثر استان‌های کشور برگزار کرده بودند. محمدعلی مظلومین، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگری مخابرات استان تهران اعلام کرده است که شرکت مخابرات حدود ۱۷ هزاروپانصد ملک داشته که تا پائیز ۱۴۰۴ حدود ۵ هزار ملک "یا برای تهاتر بدهی‌ها استفاده شده یا برای تأمین هزینه‌ها به فروش رفته است."

مبارزهٔ کارگران صنعت توزیع برق برای دستمزدِ بالای "خط فقر" و امنیتِ شغلی

بعد از قتل‌عام دی‌ماه ۱۴۰۴، با هدف سرکوب و خفه کردن هر نوع مقاومتی، کارگزاران رژیم ولایت فقیه یورشی گسترده به حقوق کار کارگران را به پیش بردند. اول اسفندماه ۱۴۰۴، مختار واعظی، فعال صنفی کارگران پیمانکاری توزیع برق مهم‌ترین مسائل و مطالبات انباشته صنفی و معیشتی کارگران شرکتی و پیمانکاری شاغل در بخش توزیع برق کشور را نبودِ امنیت شغلی، تبعیض میان نیروهای رسمی و غیررسمی، پایین بودن سطح دستمزدها، بی‌توجهی به سابقهٔ خدمت و محرومیت از حق ایجاد تشکل‌های صنفی عنوان کرد. واعضی برخی سازوکارها را موجب تشدید احساس تبعیض و بی‌عدالتی در میان کارگران به‌ویژه نیروهای شرکتی عنوان کرد و برای ارائهٔ نمونه‌ای گفت: "سازمان تأمین اجتماعی اعلام کرده است که سختی کار صرفاً شامل نیروهای رسمی می‌شود و اسامی کارگران شرکتی و آژانسی را مورد پذیرش قرار نمی‌دهد." در هفته‌های قبل از آن، جمعی از کارگران شاغل در بخش ۲۰ کیلوولت، در اعتراض به برگزاری آزمونی که به‌زعم آنان، زمینه جذب نیرو از خارج از مجموعه را فراهم می‌کند، مقابل وزارت نیرو تجمع اعتراضی برگزار کردند. معترضان در تجمع بر این باور بودند که برگزاری چنین آزمونی، به معنای نادیده‌گرفتن نیروهای باسابقه‌ای است که سال‌ها در این بخش فعالیت داشته‌اند. این تجمع در نهایت بدون دستیابی به نتیجه مشخص پایان یافت.

حسن اصیلیان مهابادی، رئیس انجمن متخصصین بهداشت حرفه‌ای ایران، ۲۹ آذر ۱۴۰۴، در نامه‌ای به وزیر نیرو- علی آبادی- از وی خواست تا در جذب کارشناس ایمنی و بهداشت حرفه‌ای برای دو شرکت توزیع برق و شرکت آب و فاضلاب، دو رشته "مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار" و "مهندسی بهداشت حرفه‌ای" را هم اضافه کند. در آن نامه مهابادی تاکید کرد: "در دفترچه استخدامی آزمون دوم ۱۴۰۴ شرکت‌های برق وزارت نیرو، برای همین پست شغلی، رشته‌های 'مهندسی بهداشت حرفه‌ای' و 'مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار' در مقطع کارشناسی از لیست شرایط احراز تحصیلی حذف شده‌اند، در حالی که این رشته‌ها در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری ذکر شده‌اند. این ناهماهنگی عملاً امکان ثبت‌نام را از فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی این رشته‌های تخصصی می‌گیرد... لذا خواهشمند است دستور فرمایید به‌صورت فوری نسبت به اصلاح دفترچه‌های استخدامی و افزودن رشته‌های 'مهندسی بهداشت حرفه‌ای و ایمنی کار' و 'مهندسی بهداشت حرفه‌ای' به شرایط احراز تحصیلی پست یاد شده در دو دفترچه اقدام گردد."

به‌رغم تلاش چندساله کارگران شرکتی برای حذف پیمانکاران واسطه، کارگران پیمانی و شرکتی شرکت توزیع برق تهران همچنان در وضعیت ناامنی شغلی و معیشتی به سر می‌برند. یازده آبان ۱۴۰۴، یک کارگر پیمانکاری شرکت توزیع برق تهران، با اشاره به اختلاف چشمگیر میان حقوق نیروهای رسمی و شرکتی گفت: "دریافتی نیروهای قرارداد کار معین در شرکت حدود ۷۰ میلیون تومان است، در حالی‌که حقوق نیروهای شرکتی تنها ۲۹ میلیون تومان پرداخت می‌شود. این اختلاف فاحش در حالی است که حجم کار نیروهای شرکتی به مراتب بیشتر است. متأسفانه امنیت شغلی وجود ندارد و شرایط کنونی بیش از هر چیز یادآور نوعی برده‌داری مدرن است." او در مورد امکان سازماندهی افزود: "ما شورای اسلامی کار شرکت را تشکیل دادیم، اما این شورا از سوی شرکت منحل شد. در حال حاضر، شورا و نمایندگان کارگری تنها برای نیروهای رسمی فعالیت دارند. این در حالی است که اکثریت نیروی انسانی شرکت را نیروهای شرکتی تشکیل می‌دهند، اما از حق مشارکت، کاندیداتوری و رأی محروم مانده‌اند." این کارگر در مورد نحوه محاسبه سختی کار گفت: "سختی کار ما به‌عنوان "کارگر برقکار" ثبت می‌شود، نه به‌عنوان "سیمبان" یا "برقکار فنی" که ماهیت واقعی شغل ماست. این موضوع باعث تضییع حقوق ما در محاسبه سوابق و مزایای بازنشستگی می‌شود."

فرهاد فرهنگیان، نماینده اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق، ۱۳ مهرماه ۱۴۰۴، با اشاره به عدم به نتیجه رسیدن طرح فوق‌العاده خاص برای اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق، در مورد تجمع اعتراضی اپراتورهای پست‌های فشار قوی برق سراسر کشور در مقابل سازمان امور استخدامی گفت، "حدود دو ماه پیش در پی اعتراض و پیگیری جمعی از کارگران بخش دولتی وزارت نیرو نسبت به‌عدم شمول فوق‌العاده خاص برای این گروه، تجمعی صنفی در مقابل سازمان مربوطه برگزار شد. در جلسه‌ای که پس از آن تشکیل شد، مسئولان مربوطه قول دادند موضوع را پیگیری کرده و کارگران بخش دولتی را نیز در شمول این بند قرار دهند... با این حال، اخیراً مکاتباتی بین برخی نمایندگان مجلس و دولت برقرار شد و دولت پاسخ داد که حقوق کارگران از کارمندان بالاتر است و بنابراین همان فرآیند اداری متداول باید طی شود. به‌عبارت دیگر، پس از ابلاغ طرح فوق‌العاده خاص، هر دستگاه اجرایی (از جمله وزارت نیرو) باید درخواست اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل را ارائه دهد تا این بند در آن لحاظ شود، فرآیندی که معمولاً دو تا سه سال زمان‌بَر است."

مبارزهٔ آموزگاران برای حقوق انسانی خود و دانش‌آموزان‌شان

به‌رغم سرکوب شدید حقوق صنفی زحمتکشان کشورمان توسط رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه، در سال‌های اخیر آموزگاران کشورمان مبارزهٔ قابل تحسینی را برای دستیابی به حقوق خود و دانش آموزان‌شان به پیش برده‌اند. به‌رغم کشته شدن تعدادی از آموزگاران و دانش‌آموزان‌شان در قتل‌عام دی‌ماه ۱۴۰۴ و بازداشت تعداد قابل توجهی از آموزگاران مبارز قبل و بعد از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و دولت نژاپرست اسرائیل، مبارزهٔ آموزگاران در شرایطی بسیار سخت ادامه داشته است. قبل از تجاوز نظامی به کشورمان و در اعتراض به قتل‌عام بیش از ۲۳۰ دانش‌آموز و کشتارهای دی‌ماه، "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" با انتشار چند گزارش از مردم خواسته بود برای گرامی‌داشت یاد دانش‌آموزان و معلمان جان‌باخته و اعتراض به نیمکت‌های خالی از حضور آنان، یک روز کلاس‌ها را تعطل کنند؛ و در ۲۹ بهمن‌ماه از اعتصاب‌های موفقیت آمیز در اکثر مدارس و سیلی گسترده‌ای از پیام‌ها و گزارش‌های دانش‌آموزان و معلمان از سراسر کشور به "شورای هماهنگی" خبر داد. برای ارائهٔ نمونه‌ای از مبارزه شورای هماهنگی قبل از آغاز تجاوز نظامی، در بیانیه‌ای در ۵ اسفندماه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در محکومیت تداوم سرکوب فعالان صنفی نوشت: "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن محکومیت شدید تداوم بازداشت و سرکوب معلمان و فعالان صنفی، قاطعانه خواهان آزادی هرچه سریع‌تر و بی‌قیدوشرط تمام معلمان بازداشتی، از جمله آقایان حسین رمضان‌پور، خان‌عزیز اسماعیلی و محمود صدیقی‌پور است... از آغاز اعتراضات دی‌ماه تا کنون، نزدیک به ۳۰ معلم و فعال صنفی در سراسر کشور بازداشت و روانه زندان شده‌اند؛ معلمان و فعالانی که در راستای دفاع از حقوق دانش‌آموزان و جوانان این سرزمین به مسالمت‌آمیزترین شکل ممکن اعتراض کرده و فریاد دادخواهی و حق‌طلبی سر داده‌اند. اما پاسخ حاکمیت به این حق‌طلبی‌ها، همچون همیشه، تنها سرکوب، بازداشت و پرونده‌سازی بوده است." بعد از تجاوز نظامی به کشورمان، در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ و در آستانه سال جدید، مأموران امنیتی با یورش به منازل پنج نفر از فعالان صنفی معلمان و اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، اقدام به تفتیش منازل و ضبط وسایل ارتباطی این افراد و خانواده‌های‌شان کردند.

قبل از تجاوز نظامی به کشورمان و در تاریخ ۴ اسفندماه، گروهی از داوطلبان آزمون استخدامی آموزش و پرورش که از استان‌های مختلف به تهران آمده بودند و تحت عنوان "کارنامه سبزهای ماده ۲۸" شناخته می‌شوند، برای دومین روز متوالی در تهران دست به تجمع زدند. این داوطلبان روز یکشنبه با تجمع مقابل ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش و صبح دوشنبه با حضور مقابل نهاد ریاست جمهوری در خیابان پاستور، خواستار رسیدگی فوری مسئولان به وضعیت استخدامی خود شدند. حاضرین در این تجمعات با تاکید بر لزوم برقراری "عدالت آموزشی" و "شفافیت در جذب"، نسبت به سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش انتقاد کردند. عمده‌ترین خواسته این گروه، "تکمیل ظرفیت" آزمون‌های قبلی برای اشغال پست‌های خالی سازمانی، پیش از برگزاری هرگونه آزمون استخدامی جدید بود و معترضان گفتند که با قبولی در آزمون‌های کتبی و کسب نمرات علمی لازم، شایستگی خود را برای شغل معلمی اثبات کرده‌اند، اما اکنون ماه‌هاست که به دلیل‌عدم تکمیل ظرفیت، در بلاتکلیفی و سردرگمی به سر می‌برند. آن‌ها معتقد بودند، در شرایطی که مدارس کشور با بحران کمبود معلم روبروست، نادیده گرفتن این سرمایه‌های انسانی که هزاران ساعت برای کسب دانش و مهارت تلاش کرده‌اند، توجیه منطقی ندارد. نمایندگان این داوطلبان در این تجمعات اعلام کردند که بسیاری از آن‌ها با وجود مشکلات معیشتی و سختی‌های فراوان، همچنان امیدوار به جذب در بدنه آموزشی کشور هستند، اما طولانی شدن فرآیند تصمیم‌گیری و برگزاری آزمون‌های جدید، آن‌ها را نسبت به آینده نگران کرده است.

ادامه در صفحه ۷

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری ...

داوطلبان ماده ۲۸ در پایانِ تجمع همچنین از مسئولان نهاد ریاست جمهوری و وزارت آموزش و پرورش خواستند تا با ورود به موضوع و صدور دستور تکمیل ظرفیت، به انتظار فرسایشی آنان پایان دهند و از تحمیل هزینه‌های مادی و روانی بیشتر به جوانان جلوگیری کنند. در شرایطی که با تورم لگام گسیخته و افزایش هزینه‌های زندگی خانوار به ۸۰ میلیون تومان در ماه، میانگین حقوق آموزگاران شاغل و بازنشسته زیر ۲۰ میلیون تومان در ماه بود، ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ ایلنا، از عدم واریز نشدن دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رفاهیات به حساب فرهنگیان و دانشجومعلمان گزارش داد.

عمل به وظیفهٔ قانونی و انسانی پرستاران کشورمان در کشتار بی‌سابقهٔ رژیم در دی‌ماه ۱۴۰۴

در سال‌های اخیر رژیم ضدمردمی ولایت فقیه پرستاران کشورمان را مانند برده استثمار کرده است. در حالی‌که پرستاران حتا در کشورهای منطقه دستمزدهای ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ دلار در ماه می‌گرفتند، پرستارانی که برای خدمت به مردم خود در دی‌ماه ۱۴۰۴ در کشورمان خدمت می‌کردند، بدون کوچک‌ترین امنیت شغلی ماهیانه دستمزدهایی حدود ۱۰۰ تا ۱۲۰ دلار داشتند؛ اعتراض‌های این پرستاران نیز با برخوردهایی قهری شدیداً سرکوب می‌شد. تعدادی از پرستاران در روزهای ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه کشته شدند، و تعدادی نیز به‌علت فعالیت حرفه‌ای و ارائه خدمات درمانی و کمک به مجروح‌ها در بیمارستان یا خارج بیمارستان، بعد از روزهای اعتراض بازداشت شدند. بر اساس گزارش ۲۱ بهمن‌ماه ایلنا، سازمان نظام پرستاری اعلام کرده بود: "تا کنون هیچ گزارش تأیید شده‌ای در خصوص بازداشت کادر پرستاری به‌دلیل انجام فعالیت‌های حرفه‌ای در بیمارستان یا خارج بیمارستان به این سازمان واصل نشده و حسب گزارش‌های دریافتی از منابع مختلف تاکنون ۱۸ پرستار احضار شدند که عمدتاً به‌دلیل فعالیت‌های خارج از حوزه سلامت بوده است.. روایت تأییدشده‌ای از بازداشت به‌دلیل انجام فعالیت‌های حرفه‌ای ثبت نشده است."

در صورتی‌که همان ۲۱ بهمن‌ماه، یعنی حدود سه هفته بعد از اعتراض‌ها، محمد شریفی مقدم، دبیرکل "خانه پرستار"، در این مورد گفت: "پرستاران احساس می‌کنند عملاً متولی مشخصی ندارند و کسانی که باید در حمایت از آنها اقدام کنند، خود را کنار کشیده‌اند. هیچ‌گونه پیگیری مشخصی در خصوص وضعیت پرستاران بازداشتی صورت نگرفته است... در روزهای بعد هم بازداشتی داشته‌ایم؛ مثلا هفتهٔ گذشته یک پرستار شاغل در مرکز پرستاری در منزل را بازداشت کرده‌اند. علت دقیق این بازداشت‌ها را نمی‌دانم و نمی‌توانم اظهار نظر کنم، اما تأکید می‌کنم که طبق وظیفهٔ قانونی و انسانی، کادر درمان هر جایی که مصدومی می‌بینند - چه در بیمارستان و چه خارج از آن- باید به مراقبت و کمک بپردازد، و این یک وظیفه قانونی و انسانی است... مسئولیت پرستار به فضای بیمارستان محدود نمی‌شود و ادعایی غیر از این، مغایر با قوانین داخلی کشور است." در واقع شریفی مقدم با استناد به "قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب سال ۱۳۹۴"، افزود: "هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به‌مراجع یا مقامات صلاحیت‌دار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و باوجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید، به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا پنجاه‌هزار ریال محکوم خواهد شد."

البته با آغاز جنگ و به‌بهانه شرایط جنگی، کارگزاران رژیم ولایی استثمار پرستاران را نیز تشدید کرده‌اند. روز ۱۳ فروردین‌ماه سال جاری، سهیلا، شاغل در بخش پذیرش یکی از کلینیک‌های تهران، می‌گوید: "قبل از جنگ، موظفی ما از ساعت ۷ صبح تا ۱۵ بود، اما کلینیک همیشه به‌صورت روتین اضافه‌کار داشت و ۳۰ روز بیمه کامل رد می‌شد؛ هرچند حقوق و مزایای‌مان نسبت به حجم کار واقعاً کم بود. زمان جنگ دوازده روزه، چون تقریباً ۲۳ روز کار کردیم، فقط همان حقوق ثابت را دادند و اضافه‌کارمان سوخت شد. یک پاداش هم به اسم حق بهره‌وری داشتیم که آن را هم ندادند و ماه بعدش هم مطالبات‌مان پرداخت نشد. اما در این جنگ اخیر، با اینکه تقریباً ۱۰ روز سرکار بودیم، بدون هیچ توضیحی فقط یک مبلغ جزئی برای‌مان واریز کردند، کلینیک را تا آخر اسفند تعطیل کردند و حتی قراردادمان را هم تا بعد از تعطیلات عید تمدید نکردند."

مبارزهٔ کارگران ساختمانی برای امنیتِ شغلی، حمایتِ بیمه‌ای، و اصلاح مادهٔ ۵ بیمهٔ "کارگرانِ ساختمانی"

تقریباً نیمی از حوادث کار در بخش ساخت و ساز برای کارگران ساختمانی اتفاق می‌افتد و تعداد قابل توجهی از کارگران در آن حوادث جان خود را از دست می‌دهند. عوض ارائه پوشش بیمه‌ای به کارگران ساختمانی، در سال‌های اخیر و با بهانه‌های مختلف، بازرسان سازمان تامین اجتماعی حتا بیمه کارگران بیمه‌شده را نیز قطع کرده‌اند. بعد از مبارزه گسترده کارگران ساختمانی، در سال ۱۴۰۱ مجلس‌نشینان تصمیم به اصلاح ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی به‌منظور افزایش منابع بیمه کارگران ساختمانی بعد از سال‌ها بررسی را گرفتند. ولی به‌رغم اعتراض‌های گستردهٔ کارگران ساختمانی، مجلس‌نشینان توجهی به مخالفت کارگران نکردند و پیش‌نویس اولیه اصلاحیه ماده ۵ را که کمبود منابع را جبران می‌کرد کنار گذاشتند و قانون اصلاحیه را با افزایش سهم پروانه ساخت تغییر و تصویب کردند. اما مبارزه کارگران ساختمانی ادامه داشته است. به‌عنوان بیان نمونه‌ای از این مورد، ۲۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، جمعی از کارگران ساختمانی در کارزاری خواستار اصلاح ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی شدند.

کارگزاران رژیم و مجلس‌نشینان نه فقط ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی را اصلاح نکردند، در حالی‌که بخش قابل توجهی از کارگران ساختمانی بیمه نیستند، اخیراً سهم بیمه کارگران ساختمانی را از ۷ درصد به ۱۳٫۵ درصد افزایش داده‌اند. داود کشوری، رئیس انجمن صنفی گچکاران استان قم، ۸ اسفند ۱۴۰۴ آن را "خیانتی آشکار" به کارگران ساختمانی خواند و گفت: "واقعیت تلخ این است که بخش قابل توجهی از نمایندگان، خود جزئی از مافیای ساخت‌وساز هستند و امروز به‌جای دفاع از حقوق کارگر، مدافع منافع کارفرمایان ثروتمند و صاحبان قدرت شده‌اند... ما صریح می‌گوییم: کارگر ساختمانی گاو شیرده نیست که هر بار کسری‌ها را از جیب او جبران کنید... اما امروز با چنین تصمیماتی خنجر بر گلوی کارگر می‌گذارید." قبل از آن در ۵ اسفند ۱۴۰۴، فعال کارگری، علی اصغر دهسنگی، با اشاره به مجموعه‌ای از مشکلات ساختاری و مزمن که کارگران ساختمانی با آن‌ها مواجه هستند گفته بود: "ایمنی کارگاه‌ها همچنان در سطح نگران‌کننده‌ای قرار دارد. سقوط از ارتفاع، ریزش داربست، برق‌گرفتگی، و حوادث ناشی از نبودِ تجهیزات استاندارد، هر سال جان صدها کارگر را تهدید می‌کند. با وجود سختی کار و ساعات طولانی، دستمزد بسیاری از کارگران با تأخیر پرداخت می‌شود و در برخی موارد حتی بخشی از حقوق آنان توسط واسطه‌ها و پیمانکاران کسر می‌گردد... متاسفانه بخش قابل توجهی از کارگران ساختمانی فاقد بیمه درمانی و بازنشستگی هستند و در صورت وقوع حادثه، هزینه‌های سنگین درمانی بر دوش خانواده‌های‌شان می‌افتد."

مبارزهٔ کارگران شهرداری‌ها برای یک زندگی انسانی

پیمانکاران و واسطه‌های تامین نیروی کار رژیم ولایت فقیه، شرایط اسفباری را به کارگران تحمیل می‌کنند. برای نمونه و به‌نقل از شماری از کارگران خدماتی شهرداری کرمانشاه، ۲۲ آذرماه ایلنا نوشت: این کارگران که بین ۳ تا ۴ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند می‌گویند: "علیرغم مراجعات مکرر به مسئولان شهرداری، هیچ پاسخی نگرفته‌ایم؛ مشخص نیست چه زمانی قرار است مطالبات‌مان پرداخت شود! ... ۴ ماه حقوق نگرفته‌ایم و در شرایط فعلی، توان پرداخت اجاره خانه و هزینه‌های روزانه را نداریم. .. سفره‌های‌مان خالی است؛ مسئولان باید به اوضاع ما رسیدگی کنند و از شهرداری‌ها بخواهند که ضمن بستن قرارداد، مطالبات‌مان را واریز کنند."

به‌خصوص بعد از اعتراض‌های گسترده دی‌ماه ۱۴۰۴، رژیم ولایت فقیه یورشی گسترده به حقوق کارگران در تمام عرصه‌ها به‌راه انداخت. در نمونه‌هایی از انجام این یورش به حقوق کارگران شهرداری‌ها با کارگران زحمتکش کردستان بسیار بی‌رحمانه برخورد شده است. در مورد کارگران فصلی شهرداری سنندج، ۲۲ بهمن‌ماه ایلنا نوشت: "احتمال بیکاری گسترده کارگران فصلی شهرداری سنندج در پایان بهمن وجود دارد." بر اساس گفته کارگران، این خبرگزاری همچنین افزود: "علیرغم اینکه تا پایان اسفند ماه با کارفرمای شرکت پیمانکار قرارداد داریم اما شهرداری درخواست فسخ قرارداد با پیمانکار را از تاریخ ۱۵ بهمن‌ماه صادر کرده است... حضور پیمانکاران تامین نیرو باعث از بین رفتن امنیت شغلی آن‌ها شده به‌طوری که نمی‌توانند برای شغل خود آینده‌ای متصور شوند. کارگران پیمانکاری به‌راحتی اخراج می‌شوند، حقوق آن‌ها پرداخت نمی‌شود و کسی از آنها حمایت نمی کند. .. قطع ناگهانی همکاری با صدها کارگر فصلی حداقل‌بگیر، آن هم در آستانه پایان سال، می‌تواند مشکلات جدی معیشتی برای خانواده‌های آنان ایجاد

ادامه در صفحه ۸

ادامهٔ چکیدهٔ یک سال جنبش کارگری ...

کند و ضرورت دارد مسئولان شهری و استانی در این خصوص شفاف‌سازی و پاسخگویی کنند."

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر و قبل از تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و دولت نژادپرست اسرائیل به کشورمان، ۱۵ اسفندماه ایلنا از انتظار برخی شهرداری‌ها برای واریز حقوق و عیدی گزارش داد. کارگران شهرداری‌های ایرانشهر و چابهار به ایلنا گفتند: "انتظار داریم عیدی هرچه زودتر پرداخت شود. کارگران شهرداری چابهار نیز منتظر دریافت حقوق بهمن و عیدی پایان سال هستند." همچنین ایلنا در ادامهٔ گزارش نوشت: "کارگران برخی شهرداری‌های دیگر کشور نیز... از معوقات مزدی و عدم پرداخت عیدی خبر دادند. "

اما تقریباً ۵ ماه قبل از تجاوز نظامی به کشورمان، کارگران شهرداری ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان، ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ به ایلنا گفتند: "بعد از حدوداً ۱۷ تا ۱۸ سال هنوز عیدی[های] خود را دریافت نکرده‌ایم." اول مهرماه ۱۴۰۴ نیز کارگران روزمزدی شهرداری خاش در همان استان گفتند: "لایه‌لایه کردن نیروی کار و تفاوت در مزد وبیمه در بخش‌های مختلف که کارگران آن در کنار یکدیگر مشغول کارند، انگیزه کار را از کارگران گرفته است. یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها، بخش خدماتِ فضای سبز شهرداری خاش است که برخی کارگران آن سال‌هاست به‌صورت روزمزد مشغول کار هستند." با نزدیکی سیستان و بلوچستان به تنگهٔ هرمز، ۱۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۵، اللهنظر شه‌بخش، مدیرکل وزارت کار استان، با پرداخت منابع مالی قابل توجهی به مسئولان سیستان و بلوچستان خواستار تسویه "مطالبات معوق " کارگران شهرداری‌های استان شد و بر ضرورت انجام به‌موقع تعهدات مالی دستگاه‌های اجرایی نسبت به پیمانکاران تأکید کرد و گفت: "دستگاه‌ها باید با پرداخت مطالبات شرکت‌های خدماتی، زمینه استمرار پرداخت حقوق و دستمزد کارگران را فراهم آورند تا از انباشت بدهی‌ها و بروز بحران‌های کارگری جلوگیری شود. " فردای همان روز در ۱۸ فروردین، یکی از کارگران شهرداری چابهار، با تاکید بر اینکه "اخیراً یک‌هزار میلیارد تومان اعتبار برای پرداخت معوقات کارگران شهرداری‌های سیستان وبلوچستان تخصیص یافته است" و انتقاد شدید از عملکرد کارگزاران رژیم گفت: "پرداخت اضافه کاری کارگران از سال ۹۸ به تأخیر افتاده؛ درعین‌حال پاداش و سنوات ما کارگران دو سال به تأخیر افتاده است. همچنین در زمینه پرداخت حق بیمه به‌صورت میانگین دو سال حق بیمه هر کارگر به تأمین اجتماعی واریز نشده و چندین سال است در دریافت حق لباس با مشکل روبرو هستیم." رژیم ضدکارگری ولایت فقیه، چنین عملکردی را در مورد کارگران در دیگر منطقه‌های کشور ندارد.

با تجاوز نظامی به کشورمان هزاران کارگر شغل خود را از دست داده‌اند و وزارت کار و تامین اجتماعی باید مقرری بیمه بیکاری به کارگران بیکار شده ارائه دهند و کارفرماها باید به وظیفه خود برای پرداخت مزد عمل کنند. بار دیگر ۱۹ فروردین‌ماه، شه‌بخش از آسیب دیدن ۹ واحد در سیستان و بلوچستان و نیاز ۲۸۰ کارگر متاثر از جنگ و ارائه مقرری بیمه بیکاری به ۲۸۰ کارگر خبر داد. اما همان روز ۱۹ فروردین، کارگران کارخانه داروگر تهران از واریز نشدن عیدی پایان سال و طلبکا بودن "۵ ماه حقوق معوقه" از کارفرما خبر دادند. برای پرداخت عیدی پایان سال، کارفرمای داروگر کارگران را مجبور کرده بود که تعطیلات عید را در کارخانه "به‌عنوان نگهبان مشغول کار شوند"، با تمام این اوصاف تا ۱۹ فروردین "حتی یک ریال" بابت عیدی به حساب کارگران واریز نشده بود. با تاکید بر اینکه "دستمزد کارگر جزو "دیون ممتازه" است؛ به این معنا که حتی اگر کارفرمایی ورشکسته شود، اولویت وی باید پرداخت حقوق کارگران و بعد تامین سایر هزینه‌ها باشد"؛ کارگران کارخانه داروگر افزودند: "برای وصول مطالبات‌مان به هرکجا که فکرش را بکنید، از نهاد ریاست‌جمهوری و وزارت کار گرفته تا استانداری و فرمانداری نیز سر زده‌ایم و طومار مشکلات‌مان را برای‌شان نوشته و گفته‌ایم اما هنوز اعتنایی به ما نشده است!" در زمان جنگ نیز، برای حفظ نظام، با زور تمام نهادها و نیروهای امنیتی رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه، تحمیل گرسنگی و بیکاری را به زحمتکشان در برنامه خود دارند.

مبارزهٔ بازنشستگان برای مستمری بالای "خط فقر" و دارو و درمان رایگان

در ۴۷ سال حاکمیت خود، رژیم ضدمردمی ولایت فقیه و کارگزاران آن تقریباً تمام صندوق‌های بازنشستگی، یعنی سال‌ها اندوخته‌های زحمتکشان را غارت کرده‌اند. در سال‌های اخیر ما شاهد تجمع‌های اعتراضی بازنشستگان عرصه‌های تولید و خدمات برای دستیابی به مستمری، پاداش پایان خدمت و دارو و درمان شایسته بوده‌ایم.

مبارزهٔ آموزگارانِ بازنشسته

به‌رغم برگزاری تجمع‌های اعتراضی فراوان آموزگاران بازنشسته و مستمری‌های شدیداً زیر خط فقر و فقدان دارو و درمان رایگان برای حدود ۳۰ سال خدمت آنان، ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۴، احمد فاطمی، عضو کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۴۰۵، گفت: "بازنشستگان فرهنگی مربوط به سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ به‌طورکامل مبالغ حاصل از رتبه‌بندی‌شان را دریافت نکرده‌اند... اصل این مطالبه در دو سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و معوقات آن در مجموع ۷ همت بودجه نیاز دارد." یا در موردی دیگر و چندین ماه بعد از بازنشستگی، ۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ ایلنا نوشت: "بازنشستگان ۱۴۰۳ در بسیاری از استان‌ها در انتظار تامین اعتبار و واریز پاداش پایان خدمت خود هستند."

مبارزهٔ بازنشستگان تامین اجتماعی (بازنشستگان کارگری)

مطابق معمول سوم اسفندماه ۱۴۰۴، بازنشستگان تامین اجتماعی در برخی شهرها مقابل ادارات تامین اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند. خواسته این بازنشستگان، افزایش مستمری مطابق خط فقر و بهره‌مندی از خدمات رایگان درمان است؛ آن‌ها گفتند: "زندگی‌مان به در بسته خورده است... حقوق همه بازنشستگان باید به اندازه هزینه‌های زندگی افزایش یابد و ما خواهان افزایش مستمری‌ها طبق ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی هستیم... با افزایش پلکانی مستمری‌ها و فقیرسازی بازنشستگان مخالفیم." جمع کثیری از بازنشستگان تامین اجتماعی ۱۹ آذر ماه با امضای کارزاری خطاب به رئیس جمهور دغدغه‌های معیشتی و درمانی خود را مطرح کردند و خواستار پرداخت فوری بدهی کلان دولت به سازمان تأمین اجتماعی شدند و نسبت به دخالت‌های بی‌جا در امور این صندوق غیردولتی هشدار داده‌اند. این بازنشستگان در متن کارزار خود افزودند: " آقای رئیس‌جمهور، نیمی از مردم ایران بیمه‌پرداز صندوق تأمین اجتماعی بوده و بازنشستگان بسیاری حقوق ماهانه خود را از این صندوق خصوصی که بزرگ‌ترین صندوق کشور است دریافت می‌کنند. .. چرا دولت در انتخاب مسئولین صندوقی غیردولتی اعمال سلیقه و انتخاب می‌نماید، در حالی که صرفاً می‌تواند نظارت داشته باشد؟... در این زمان و تورم بسیار زیاد قیمت‌ها در کل کشور، درمان و هزینه‌های پزشکی و امرارمعاش نیمی از مردم ایران به مخاطره افتاده است. .. با ادامه دخالت‌های بی‌جا و برداشت‌های غیرقانونی از ذخایر سازمان تأمین اجتماعی تا کنون، که صندوق بین‌نسلی هم صاحبان صندوق و هم دولت ضرر خواهند کرد. .. خواهشمند است صندوقی که خودگردان است و توقعی از دولت ندارد را حمایت کنید، نه آنکه با دست‌درازی‌های بی‌جا آن را ضعیف نمایید."

مبارزهٔ بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد

در سال‌های اخیر، بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد در تعدادی از استان‌ها تجمع‌های اعتراضی برگزار کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، ۲۳ آذرماه ۱۴۰۴، جمعی از بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد در شهر اصفهان برای اعتراض به تحقق نیافتن مطالبات خود تجمعی را برپا کردند. این بازنشستگان گفتند: "این اعتراضات بیشتر شامل مطالباتی چون 'عدم متناسب‌سازی صحیح حقوق'، 'تاخیر در حل مشکلات درمانی کارکنان بازنشسته سخت و زیان‌آور صندوق' و 'اعتراض به ادغام صندوق فولاد با صندوق کشوری' و مواردی از این دست بوده است." به‌عنوان نمونه‌ای دیگر از اعتراض‌های بازنشستگان صندوق بازنشستگی فولاد، روز ۱۶ آذر ۱۴۰۴، شماری از کارگران بازنشسته صنعت فولاد در اصفهان به همراه خانواده‌های‌شان بعد از اجتماع مقابل ساختمان کانون بازنشستگی واقع در خیابان نشاط، خیابان منتهی تا استانداری اصفهان را راهپیمایی کردند. حمد اباذری، فعال صنفی بازنشستگان فولاد، ۱۷ آبان‌ماه ۱۴۰۴ به ایلنا گفت: "بازنشستگان را به دو گروه قبل و بعد از واگذاری تقسیم کرده‌اند. مثلاً برای بازنشستگان قبل از واگذاری ۱۰ درصد همسان‌سازی اضافه کردند و برای بازنشستگان بعد از واگذاری ۳۰ الی ۴۰ درصد اضافه کردند. با انجام این کار بین بازنشستگان اختلاف ایجاد کرده‌اند."

جبههٔ جهانیِ کار، پرچمدارِ صلح و سوسیالیسم
فرازهایی از مبارزات کارگران در سراسر جهان

طی سال گذشته زحمتکشان جهان برای حفظ دستاوردهای تاریخی مبارزات‌شان و نیز در مخالفت با جنگ‌های خانمان‌سوز امپریالیسم و رژیم نژادپرست اسرائیل علیه مردم ایران و فلسطین به مبارزه‌شان شدت بخشیده‌اند. جنگ‌های تحمیلی زندگی زحمتکشان را در غرب آسیا و آفریقا و امریکای لاتین هدف قرار داده است. با تسلط حکومت‌های راست افراطی سرمایه‌داری در اغلب کشورهای اروپایی، آسیایی، و امریکایی، یورش بی‌وقفه به حقوق زحمتکشان و گسترش جنگ شدتی بیشتر به‌خود گرفته است و کارگران واتحادیه‌های طبقاتی در سراسر جهان به‌شکلی رزمجویانه در مقابل این یورش به‌پا خاسته‌اند.

آلمان: مبارزهٔ زحمتکشان برضد جنگ و نظامیگری

بازار کار در حال کوچک‌تر شدن و صنایع نظامی و ساخت جنگ‌افزارهای کشتار جمعی در حال گسترش است. این روند هیچ چشم‌اندازی روشن به‌سود کارگران به‌همراه ندارد.

رئیس اتحادیهٔ صنایع امنیتی و دفاعی آلمان (ب. د. اس. فا) اخیراً درباره مزایای اقتصاد جنگی اعلام شده چنین گفت: "به‌جای این‌که از تعطیلی و صدمه دیدن اقتصاد ملی ناشی از رکود صنعت خودرو شکایت و اعتراض کنیم، باید تلاش کنیم مسیر تولیدات و پیش از همه کارگران ماهر را از بخش خودرو سازی به سازگارترین شکل ممکن به بخش دفاعی انتقال دهیم." معنی ساده این جمله‌ها چنین است: اگر کارگران تأمین کننده قطعات و صنایع خودرو سازی بیکار شدند، می توانند در عوض نیروی کارشان را در صنعت ساخت تجهیزات نظامی به فروش برسانند.

اتحادیهٔ کارگران صنعت پولاد آلمان (ای. گ. متال) در فراخوانی از همهٔ کارگران دعوت کرد به خواستِ اجرای سیاستی بهتر در صنعت پولاد بپیوندند. خواستِ سندیکا در طرحی دوازده ماده‌ای از دولت آینده از جمله تعدیل در افزایش قیمت برق، سرمایه‌گذاری صحیح، بالابردن سطح آگاهی و تخصص در کار، و حمایت‌های بیشتر دولت در عرصهٔ خدمات اجتماعی و تأمین و تضمین بیشتر امنیت شغلی کارگران است. ... همزمان مذاکرات بر سر افزایش دستمزدها آغاز می‌شود و هدف سندیکا از این کارزار زیر فشار گذاشتن اعضای شرکت کننده در مذاکرات است تا به نگرانی‌ها و مطالبات کارگران توجه کنند و اتحادیه (ای. گ. متال) را در جایگاه یکی از شرکایِ سیاسی و اجتماعی در مذاکرات بپذیرند و به‌رسمیت بشناسند.

[منبع: روزنامهٔ "عصر ما"، نشریهٔ حزب کمونیست آلمان(د.ک.پ)، بیست و چهارم اسفند ماه ۱۴۰۳].

فرانسه: در اتحادیهٔ اروپا و فرانسه سیاست‌ها به‌سودِ جنگ‌طلبان تدوین و اجرا می‌شود

یک سال پس از انحلال پارلمان توسط امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، سومین نخست‌وزیر منتخب او نقشه راه بودجه سال آینده خود را رونمایی کرد. هدف صرفه‌جویی ۴۰ میلیارد یورو به‌زیان مردم و به‌سود صنایع نظامی است. سوفی بینه (دبیر ملی ث ژ ت) هشدار می‌دهد: "سالی سیاه برای کارگران" در پیش است (اشارهٔ کنایه‌آمیز او به "سال سفید"، اسم متن پیشنهادی دولت در توقف هرگونه افزایش کمک‌های اجتماعی است!) سالی تاریک برای خدمات عمومی است. سالی که دستمزدها، تأمین اجتماعی، مزایای اجتماعی، بازنشستگی‌ها نسبت به تورم کاهش می‌یابند. دبیرکل ث ژ ت از دولت دعوت کرد "به دنبال پول آنجا برود که وجود دارد، یعنی در جیب سهامداران، رانت‌خواران، ثروتمندترین‌ها، و صنایع نظامی".

مبارزه کنفدراسیون عمومی کار فرانسه بر ضد بودجهٔ ریاضتی و برای تأمین امنیتِ شغلی زحمتکشان

"کنفدراسیون عمومی کار فرانسه" ("ث ژ ت")، و اتحادیهٔ همبستگی علیه بودجه ۲۰۲۶ / ۱۴۰۵ فرانسه، کارزاری گسترده را سازمان‌دهی کرده‌اند. در حالی که بحث‌ها بر سر قوانین مالی به بن‌بست رسیده است، چشم‌اندازهای ریاضت اقتصادی اتحادیه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای مردمی را به‌شدت نگران کرده است. آن‌ها حذف مشاغل، مسدود کردن و انجماد دستمزدها، و یورش برضد قوانین خدمات اجتماعی را محکوم می‌کنند.

در این زمینه "سوفی بینه"، دبیر کل "ث ژ ت"، پیامی روشن به دولت ارسال کرد. او تأکید می‌کند ما باید تغییر لایحه بودجه و یورش به خدمات اجتماعی را متوقف و عقب‌نشینی را به جبههٔ مقابل تحمیل کنیم. حذف و دو برابر شدن فرانشیزهای پزشکی که می‌تواند سالانه ۳۵۰ یورو برای هر نفر هزینه داشته باشد، باید تغییر یابد. توقف افزایش حقوق بازنشستگی و مزایای اجتماعی نیز باید بازبینی شود. دبیرکل ث ژ ت گفت: "ما خواهان بودجه‌ای نیستیم که بر خدمات عمومی و دستمزدها فشار می‌آورد."

دستمزدهای منجمدشده، کاهشِ قدرتِ خرید، و حذف چهار هزار شغل در آموزش و پرورش در سال ۲۰۲۶/ ۱۴۰۵.

بیانیهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به‌مناسبت سال نو میلادی ۲۰۲۶

به‌مناسبت سال نو ۲۰۲۶، "فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری" (" WFTU ("تبریکات رزم‌جویانه و طبقاتی خود را به کارگران، اعضای اتحادیه‌های کارگری، و مردم مترقی در سراسر جهان تقدیم می‌کند. در سال نو، طبقهٔ کارگر بین‌المللی با چالش‌هایی قدیمی و جدید مواجه است در حالی که به سازمان‌دهی، تجربه، و قدرت شکست‌ناپذیر همبستگی مسلح است. سالی که گذشت بار دیگر بحران ساختاری و عمیق نظام سرمایه‌داری را تأیید کرد. بی‌ثباتی اقتصادی، افزایش نابرابری‌ها، و تشدیدِ استثمار همراه با تشدید تضادهای ژئوپلیتیکی، جنگ‌ها، و مداخله‌های امپریالیستی پیش می‌رود. مردم همچنان بهای سنگینی را از طریق فقر، بیکاری، آوارگی، سرکوب، و نابودی حقوق اجتماعی و کارگری می‌پردازند.

تجاوز و نظامیگری امپریالیستی همچنان از ویژگی‌های مرکزی جهان امروز است. جنگ‌ها، اشغال سرزمین‌ها، محاصره اقتصادی و تحریم‌ها همچنان به‌منزلهٔ ابزارهایی برای تحمیل سلطهٔ سیاسی و اقتصادی، تضمینِ سود برای انحصارها و کنترل منابع و بازارهای استراتژیک استفاده می‌شوند. جنایت‌های انجام شده علیه مردم که به‌طرزی غم‌انگیز در مورد مردم فلسطین که با درد و غم نشان داده شده است، بار دیگر ماهیت وحشیانه و غیرانسانی امپریالیسم را آشکار می‌کند. با بیش از ۶۳ هزار کشته تا پایان سال ۲۰۲۵ / دی‌ماه ۱۴۰۴و افزایش رنج‌آور این تعداد کشته در جریان نسل‌کشی در غزه تأیید می‌کند که آتش‌بس‌ها و توافق‌های تحمیلی توسط قدرت‌های امپریالیستی، تحت کنترل و نظارت آن‌ها، نمی‌توانند صلح عادلانه یا پایدار را تضمین کنند، زیرا آن‌ها به‌جای حق مردم فلسطین برای حفظ آزادی و کرامت‌شان و پایانِ اشغال و نیز تأسیس دولتی مستقل برای خود، در خدمت منافع انحصارها و سلطه ژئوپلیتیکی هستند.

ونزوئلا: چرا سندیکاهای کارگری باید بخشی از جنبش صلح باشند!

سال ۲۰۲۶ / ۱۴۰۴ با یک تهاجم نظامی آغاز شد. در شب دوم و سومین روز از ماه ژانویه ایالات متحده آمریکا با به زیرپا گذاشتن قوانین بین‌المللی و بدون هیچ تحریکی به کشور ونزوئلا حمله نظامی کرد. هدف ترامپ تصرف منابع نفتی این کشور و مهار نفوذ چین در ونزوئلا است. در اقدامی مناسب از همان شب مردم در بسیاری از شهرها به خیابان آمدند و به این حمله اعتراض کردند. همچنین اعتراض سندیکاهای کارگری به نقض قوانین بین‌المللی نیز قابل تحسین است. طیف وسیعی از سندیکاهای کارگری از فدراسیون‌های اتحادیه کارگری ملی در ایالات متحده، بلژیک یا فرانسه، ندای همبستگی با مردم ونزوئلا سردادند. همه آن‌ها اعلام کردند در کنار مردم ونزوئلا ایستاده‌اند.

کارگران صنعت ملی نفت ونزوئلا: نفت متعلق به مردم ونزوئلا است!

پس از تجاوز نظامی آمریکا به ونزوئلا و ربودن مادورو و همسرش، هزاران کارگر صنعت ملی نفت ونزوئلا در یک تظاهرات گسترده تجاوز امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند. کارگران اعلام داشتند: ما کارگران و کارکنان صنعت ملی نفت ونزوئلا و شرکت نفت ونزوئلا (PDVSA)، اینجا، با احترام و ایستادگی، در کنار فرمانده، رفیق کارگر خودمان، رئیس‌جمهور نیکلاس مادورو، ایستاده‌ایم. ما تداوم عملیات نفتی را تضمین می‌کنیم، از حاکمیت ملی دفاع می‌کنیم و اطمینان می‌دهیم که در تأسیسات ما هیچ قدرت خارجی، هیچ آمریکایی‌ای حق ندارد به ما دستور بدهد یا به‌جای مردم ما تصمیم بگیرد.

بیانیهٔ فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری دربارهٔ حمله امپریالیستی علیه ایران

"فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری" (" (" WFTUحملهٔ تازهٔ امپریالیستی آمریکا و اسرائیل علیه ایران را به‌شدت محکوم می‌کند. این حمله نقض آشکار تمامی اصول احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهاست و منشور سازمان ملل متحد و هرگونه مفهوم حقوق بین‌الملل را به‌طوری وحشیانه تضعیف می‌کند. این حمله تهدیدی برای منطقه که در حال حاضر در آتش می‌سوزد، تنش‌ها را بیش از پیش تشدید می‌کند، آن هم تنها با هدف پیشبُرد طرح‌های امپریالیستی آمریکا و

ادامه در صفحه ۱۰

ادامهٔ جبههٔ جهانیِ کار، پرچمدارِ صلح ...

اسرائیل در خاورمیانه‌ای گسترده‌تر. ادعای حساسیت متجاوزان و حامیان آن‌ها در داخل و خارج کشور نسبت به دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ایران آشکارا ریاکارانه است. چنین بهانه‌هایی در گذشته نیز برای حمله‌های تجاوزگرانه‌ای مشابه مورد استفاده قرار گرفته و نتایجی فاجعه‌بار و خونین برای مردم و کشورهای منطقه به‌بار آورده است. مسیر حال و آیندهٔ ایران موضوعی است مربوط به خودِ مردم این کشور- مردمی که مبارزات‌شان همواره مورد حمایت فدارسیون جهانی سندیکاهای کارگری بوده است- و نه انتخاب قدرت‌های امپریالیستی خارجی که تنها منافع‌شان استفاده از قدرت نظامی برای پیشبُرد هدف‌های جغرافیای سیاسی (ژئوپولیتیکی) و اقتصادی‌شان در منطقه است.

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری همبستگی کامل و بی‌قیدوشرطش را با مردم ایران و ملت‌های خاورمیانه که از مداخلهٔ امپریالیستی و تجاوز اسرائیل رنج می‌برند اعلام می‌کند و از تمامیِ اتحادیه‌های وابسته خود در سراسر جهان می‌خواهد در محکومیت حملهٔ نظامی تازه علیه ایران و برای توقف فوری عملیات نظامی بسیج شوند.

یونان: تجمع اعتراضی کارگران یونان در مقابل سفارت آمریکا در آتن

در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ (اول مارس ۲۰۲۶) هزاران کارگر و نیز هزاران جوان در مقابل سفارت آمریکا در آتن گرد هم آمدند تا مداخلهٔ آمریکا و اسرائیل در ایران را محکوم کنند. این تجمع به‌دعوت اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های توده‌ای برگزار گردید. هزاران معترض یونانی آخرین حملهٔ امپریالیستی را به‌شدت محکوم کرده و همبستگی‌شان را با مردم ایران اعلام کردند

ایتالیا: "سندیکای پایه‌ای کارگران ایتالیا" ("یو اس بی") حملهٔ آمریکا و اسرائیل به ایران را محکوم می‌کند

این سندیکا با قاطعیت تمام حملهٔ نظامی اسرائیل و ایالات متحده به ایران را محکوم می‌کند. این اقدام جنگی که موجب گسترش خطرناک تنش‌های نظامی جاری می‌تواند به‌شمار رود درعمل می‌کوشد جنگ را به تنها افق ممکن در روابط بین‌المللی تبدیل کند. این اقدام تجاوزی عمدی علیه یک کشور مستقل است و آشکارا ناقض حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد به‌شمار می‌رود. این عملیات هیچ ارتباطی با مقولهٔ "دفاع" ندارد، بلکه صرفاً در چارچوب رقابت میان قطب‌های سرمایه‌داری صورت می‌گیرد، رقابتی که میان اقتصاد و جنگ جریان دارد و نتیجه آن جز کشتار غیرنظامیان و بی‌ثباتی دائمی در سراسر خاورمیانه حاصلی ندارد.

کارگران بندرهای ایتالیا: بندرها نباید همدستِ جنگ باشند.

در این رابطه، ما به‌منزلهٔ یک سازمان صنفی، استفاده از اسکله‌ها برای جابه‌جایی سلاح‌های جنگی را- همان‌گونه که در دیگر بندرها نیز رخ داده - محکوم می‌کنیم و درعین‌حال از نهادهای مسئول از جمله اداره بنادر، مرجع سیستم بندری، و مدیریت شهری، می‌خواهیم قاطعانه مداخله کنند. همچنین نظارت دقیق برای تضمین ایمنی تمامی کارکنان بندر و شهروندان "چیویتاوکیا" را خواستار هستیم.

در شرایط بین‌المللی‌ای که هر روز ملتهب‌تر و غیرقابل‌پیش‌بینی‌تر می‌شود، نمی‌توانیم اجازه دهیم بندرهای غیرنظامی ایتالیا به‌طورساختاری به بخشی از ماشین جنگی تبدیل شوند و درنتیجه به هدف‌های بالقوه جنگ بدل گردند. ما نمی‌توانیم بپذیریم کارگرانی که هم‌اکنون نیز هزینه‌های سنگین جنگ را از نظر دستمزد و تورم می‌پردازند، مجبور شوند در تصمیمات ناعادلانه دولت شریک شوند، دولتی که به‌جای سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش، میلیاردها یورو صرف تسلیح مجدد می‌کند.

ایتالیا، کارگران بارانداز "پیومبینو" از حرکتِ کشتیِ حامل مواد منفجره به مقصد "عربستان سعودی" مانع شدند

کارگران فولاد JSWتهدید به اعتصاب کردند. کشتی نظامی "کاپوسین" امروز از بندر "پیومبینو" ایتالیا حرکت کرد. بر اساس رهگیری، مقصد میانی آن بندر ناپل و مقصد نهایی‌اش جده است. طبق اطلاعاتی که در روزهای پیش از ورود به پیومبینو دریافت کرده بودیم، محموله این کشتی شامل مواد منفجره، فشنگ، مادهٔ منفجرهٔ "تی ان تی"، و چاشنیِ اسلحه بوده و مقصد نهایی‌اش نیز بندر عربستان است. "اتحادیه پایه‌ایِ کارگران ایتالیا" ("USB")، همانند موارد مشابه پیشین، شکایتی فوری به نهادهای ذی‌صلاح ارسال کرده تا مشخص شود قانون شماره ۱۸۵/۹۰- که صادرات و ترانزیت تجهیزات نظامی به کشورهای در حال جنگ را ممنوع می‌کند آیا رعایت شده است یا نه؟ دادستانی، پلیس مالی، اداره گمرک، و اداره بنادر در این مورد در جریان قرار گرفتند. اما ظاهراً هیچ‌کدام ضرورتی برای بررسی عمیق موضوعی که بارها مطرح کرده‌ایم را احساس نکردند، برخلاف موارد اخیر که در کالیاری و جویا تاورو اتفاق افتاده است.

آمریکا: "جنبش کارگری آمریکا" علیه جنگِ امپریالیسم با ایران در کنارِ زحمتکشان می‌ایستد

در ایالات متحده آمریکا سندیکاهای پرستاران، کارگران برق، کارکنان خدماتی، و کارگران صنعتِ خودرو حمله‌های تجاوزکارانهٔ آمریکا و اسرائیل را محکوم می‌کنند. "اتحادیهٔ ملی پرستاران" (" National Nurses United") در بیانیه‌ای تند دولت ترامپ را به انجام "یک اقدام جنگی امپریالیستی دیگر بدون تأیید کنگره" متهم کرد. این اتحادیه گفت: "همان‌طور که اقدام نظامی یک‌جانبهٔ ترامپ در ونزوئلا چنین بود، [هزینهٔ] حملهٔ آمریکا به ایران نیز از جیب بیماران ما پرداخت می‌شود: طبقهٔ کارگر در سراسر ایالات متحده هم‌اکنون برای تأمین نیازهای اساسی‌ای مانند مراقبت‌های بهداشتی، غذا، و مسکن در داخل کشور با مشکل مواجه‌اند."

بیانیه همچنین به آسیب‌هایی خاص که به غیرنظامیان وارد شده اشاره می‌کند و می‌گوید: "پرستاران به‌ویژه از دیدن تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی شوکه شده‌اند، از جمله بمباران یک مدرسهٔ دخترانه در جنوب ایران در آخر هفته که بیش از ۱۵۰ [۱۶۸] کودک و بزرگسال را کشت. چندین بیمارستان ایرانی نیز آسیب دیده‌اند که نقض قوانین بشردوستانهٔ بین‌المللی است."

سندیکاهای کارگری میان میلیاردها دلاری که برای جنگ‌ها هزینه می‌شود و سیاست‌های ریاضتی‌ای که بر خانواده‌های کارگری آمریکا تحمیل می‌شود ارتباط مستقیم می‌بینند. همچنین "سندیکای کارگران برق" (" UE")نیز محکومیت دولت ترامپ توسط پرستاران را دربارهٔ غیرقانونی بودن این حمله‌ها تکرار کرده و یادآور شد: "ترامپ با وعدهٔ دور نگه داشتن آمریکا از درگیری‌های نظامی خارجی برای ریاست‌جمهوری نامزد شد." این سندیکا در ادامه اعلام کرد: "قانون اساسی آمریکا روشن بیان کرده است: تنها کنگره اختیار اعلان جنگ را دارد. ایران تهدید فوری علیه آمریکا نیست که اقدام نظامی بدون مشورت با کنگره را توجیه کند، و حمله به ایران نیز از حمایت مردم آمریکا برخوردار نیست. اقدام‌های ترامپ نشان دهندهٔ بی‌اعتنایی به دموکراسی و قانون اساسی است، گویی او یک 'رهبر برتر' است که اراده‌اش بر ارادهٔ مردم برتری دارد."

انگلستان: رهبر ("اتحادیهٔ کنگرهٔ اتحادیه‌های کارگری") TUC""، پل نواک، امروز هشدار داد که کارگران نباید هزینهٔ جنگ تهاجمی علیه ایران را بپردازند.

وی گفت: "کارگران نباید بار خسارات اقتصادی جنگ غیرقانونی ترامپ را به دوش بکشند. " در حالی که اولویت باید کاهش فوری تنش‌ها باشد، لازم است که دولت از همین حالا برای حمایت از خانوارها و کسب‌وکارها برنامه‌ریزی کند و اطمینان حاصل کند کسانی که سودهای کلان و بی‌رویه به‌دست می‌آورند، سهم عادلانهٔ خود را بپردازند."

کوبا: دست‌های امپریالسم از کوبا کوتاه!

با توجه به تحریم سوختی کوبا توسط امپریالیسم آمریکا به قصد سرنگون کردن حکومت سوسیالیستی کوبا، زحمتکشان و نیروهای مترقی از سراسر جهان با بسیج همگانی به پشتیبانی از انقلاب کوبا برخاسته‌اند و از هر گوشه جهان کاروان کمک‌های انساندوستانه روانه کوبا گردیده است.

از ۱۹ تا ۲۳ مارس (۲۸ اسفند ۱۴۰۴ تا ۲ فروردین ۱۴۰۵) اعضای "شبکهٔ کانادایی کوبا" در هاوانا حضور داشتند تا در نشست‌ها و فعالیت‌هایی که پیرامون "کاروان نوئسترا آمریکا" برگزار شده بود شرکت کنند. این کاروان، یک همراهی بشردوستانهٔ بین‌المللی است که هم کمک‌های مادی به کوبا می‌رساند و هم شاهدان عینی بیشتری را در دوره‌ای که به‌طور فزاینده‌ای بحرانی در تاریخ تجاوزات آمریکا در منطقه است، به این کشور می‌آورد.

از زمان اعلام دونالد ترامپ در ۲۹ ژانویه مبنی بر اِعمال محاصرهٔ کامل سوخت علیه این کشور، مردم کوبا وارد وضعیتی از محرومیت شدید و تهدیدکنندهٔ حیات شده‌اند؛ آن‌ها با قطع مکرر برق، کمبود و فساد مواد غذایی، نبود امکانات بهداشتی و انواع نااطمینانی‌ها مواجه هستند. حتی نظام‌های بهداشت و آموزش کوبا که در سطح جهانی شناخته شده‌اند نیز تا مرز فروپاشی پیش رفته‌اند. بسیاری از جراحی‌های مهم متوقف شده و بسیاری از دانشگاه‌ها و مدارس متوسطه کلاس‌ها را کاهش داده یا لغو کرده‌اند. حمل‌ونقل عمومی نیز تقریباً به‌طور کامل متوقف شده است.

[منابع: دنیای مردم آمریکا، ستاره صبح انگلستان، نشریه حزب کمونیست آلمان، سایت فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری، صدای مردم کانادا، سایت اتحادیه پایه‌ای کارگران ایتالیا (یو- اس- بی)].

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

زنده باد روز اول ماه مه، روزِ اتحادِ پرولتاریای جهان علیه ستمِ سرمایه‌داری

با فرا رسیدن اول ماه مه ، (۱۱ اردیبهشت‌ماه)، کارگران و زحمتکشان جهان بار دیگر در این همایش عظیم انقلابی شرکت می‌کنند تا اتحاد پرولتاریای جهان علیه ستمِ سرمایه‌داری را به‌نمایش بگذارند. برای کارگران جهان، اول ماه مه تنها یادآور یک مناسبت تاریخی نیست، بلکه نمادی از مبارزهٔ طبقاتی‌ای بی‌امان و بی‌وقفه پرولتاریا برای رهایی از چنگال استثمار سرمایه‌داری‌ست و این روز برای مارکسیست- لنینیست‌ها فرصتی دوباره برای تاکید بر ضرورت ادامهٔ مبارزه تاریخی خود برای تحقق جامعه‌ای عاری از استثمار، مبارزه علیه نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و در راه ایجاد جهانی در صلح و عدالت اجتماعی‌ست.

روز جهانی کارگر در مبارزه علیه بهره‌کشی بی‌رحمانه سرمایه‌داری صنعتی در قرن نوزدهم ریشه‌ای عمیق دارد. در آن دوران کارگران مجبور بودند روزانه ۱۴ تا ۱۵ ساعت در روز و در غیرانسانی‌ترین شرایط کار کنند. در اول ماه مه سال ۱۸۸۴ (۱۲ اردیبهشت‌ماه سال ۱۲۶۳ خورشیدی)، بیش از سیصدوپنجاه هزار نفر از کارگران شیکاگو و سایر شهرهای دیگر آمریکا با شعار "هشت ساعت کار"، دست به اعتصاب عمومی زدند که این اعتصاب سبب فلج شدن صنایع بزرگ آمریکا شد. با اینکه این اعتصاب حرکت اعتراضی‌ای مسالمت‌آمیز بود، ولی به‌دلیل پرتاب یک بمب به جمع اعتصاب کننده‌ها به فاجعه‌ای خونین تبدیل شد. پلیس با خشونت تمام و با شلیک به سوی کارگران آنان را به خاک و خون کشید. با این وجود و در پی این اعتصاب‌ها دولت آمریکا به عقب‌نشینی در مورد خواست‌های کارگران و دادن امتیازهایی مجبور شد.

در یادبود و گرامی‌داشتِ این روز ، کنگرهٔ "انترناسیونالیسم دوم" کارگری در ژوئیه ۱۸۸۹ / ۱۲۶۸ خورشیدی، به‌رهبری فردریش انگلس، اول ماه مه را به‌منزلهٔ "روز جهانی کارگر" اعلام کرد. از آن زمان روز اول ماه مه به نمادی برای وحدت پرولتاریای جهانی در مبارزهٔ مشترک آنان علیه سرمایه‌داری و دست یافتن به حقوق راستین‌شان شد.

امسال، جهان در شرایطی به سوی اول ماه مه می‌رود که میلیون‌ها نفر در جهان شرایط اقتصادی وخیم‌تری را انتظار می‌کشند. حمله تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا با مشارکت اسراییل تلفات و فاجعه‌هایی انسانی و محیط زیستی نه تنها در تمامی خاورمیانه به‌وجود آورده و می‌آورد، بلکه موجی از تلاطم‌ها و ناهنجاری‌های اقتصادی را نیز در جهان به همراه داشته و دارد. این جنگ در شروع خود فراتر از میدان نبرد گسترش یافت که با مسدود شدن تنگه هرمز، گذرگاهی دریایی که حدود ۲۰ درصد از صادرات نفت جهان از آن عبور می کند، زنجیره‌های تامین انرژی و کالاها را تحت تاثیر قرار داد که جزو بزرگ‌ترین اختلال‌های آن ژرفتر شدن بحران اقتصادی جهانی است، بحرانی که پس از بحران اقتصادی دنیای سرمایه‌داری در سال ۲۰۰۸ / ۱۳۸۷ خورشیدی و مانند آن همچنان گریبانگیر سیستم سرمایه‌داری در جهان شده است. این بحران بر اشتغال، دستمزدها، امنیت غذایی، و محیط زیست بر پی‌آمدها خواهد داشت که چون همیشه کارگران و زحمتکشان و سایر قشرهای آسیب‌پذیر در جهان را بسیار جدی تحت تاثیر قرار داده است.

بنا به گزارش صندوق بین‌المللی پول ، این درگیری تورم بیشتر را همراه با رشد کم‌تر اقتصادی را سبب خواهد شد. این صندوق هشدار می‌دهد برای کشورهای کم‌درآمد، در جایی که غذا حدود ۳۶ درصد هزینه را در بر می‌گیرد، این فشار بیشتر خواهد بود. صندوق بین‌المللی پول اضافه می‌کند، هرگونه افزایش قیمت کود و مواد غذایی نه تنها یک مشکل اقتصادی، بلکه مشکل‌های اجتماعی و سیاسی را نیز به‌همراه خواهد داشت. پیامدهای اقتصادی همچنین به از بین رفتن بسیاری از موقعیت‌های شغلی و رکود بازارهای کار در جهان منجر خواهد شد.

"گلدمن ساکس"[۳] تخمین زده است که افزایش قیمت نفت ناشی از جنگ تا پایان سال ۲۰۲۶ هرماه ده هزار شغل را در آمریکا از بین خواهد برد که بیشترین تاثیر را نیز در مشاغل در رستوران‌ها، هتل‌ها، و فروشگاه‌های خرده‌فروشی خواهد داشت (به‌نقل از: نشریهٔ "فورچون"). در سایرنقاط جهان نیز این تصویر به همان اندازه تاریک به‌نظر می‌رسد. بنا بر پیش‌بینی سازمان بین‌المللی کار، رشد اشتغال در کشورهای با درآمدِ متوسط به بالا تنها نیم درصد و در کشورهای با درآمدِ پایین متوسط ۱٫۸ درصد و ۳٫۱ درصد در اقتصادهای کم‌درآمد خواهد بود.

برای کارگران جهان این به‌مفهوم دوره‌ای طولانی از نبودِ امنیت اقتصادی است، دوره‌ای که توأم با افزایش قیمت‌ها در سوخت، مواد غذایی، و کاهش دستمزدهای واقعی، و بازار کاری که فرصت‌های شغلی مناسب کم‌تری را ارائه خواهد داد.

با شروع جنگ تجاوزکارانه آمریکا و اسراییل، بحران اقتصاد بحران‌زده و رو به ورشکستگی کشور تشدید شد که اوضاع‌وحوالی بسیار بغرنج و تاریک در برابر کارگران و زحمتکشان و زندگی خود و خانواده‌های‌شان قرار داده است. در فقدان حمایت‌های دولتی و سلطهٔ قانون‌های ضد کارگری در قوانین کشوری و کارگری، قانون‌هایی که تنها با هدف تامین منافع کارفرماها و علیه کارگران تدوین شده‌اند، اکثر کارگران که قراردادهای موقت و یا سفیدامضا دارند از دسترسی قانونی به حقوق و دستمزد خود محروم هستند. چنین شرایطی این واقعیت را آشکار می‌سازد که مشکلات معیشتی در کشورمان تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه ریشه در ساختارهای سیاسی و حقوقی کشور دارند. قوانین کشور با متهم کردن برگزار کنندگان اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها، و فعالیت‌های صنفی به "تشویش اذهان عمومی " و امنیتی ساختن حرکت آنان مبارزات صنفی را برای زحمتکشان همواره پرهزینه می‌کنند.

کارگران و زحمتکشان میهن‌مان در اوضاع کنونی که فروپاشی اقتصادی با سرکوب‌های شدید رژیم آمیخته شده است، در راه ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، مطالبات اقتصادی و تغییر در قوانین حقوقی به‌سود زحمتکشان مبارزه‌ای دشوار در پیش روی‌شان دارند. با این وجود، مبارزات همگام و مشترک کارگران و زحمتکشان می‌تواند گامی جدی در راه دست یافتن به این هدف‌ها باشد.

ازاین‌روی، برای کارگران جهان روز اول ماه مه پیش رو بیش از آنچه روز جشن پرولتاریای جهان باشد روزِ یادآوری همبستگی درمبارزات مطالباتی‌شان در راه ایجاد جامعه‌ای فارغ از استثمار، جنگ و ویرانی و برقرار ساختن عدالت اجتماعی است.

ادامهٔ یک سال با جنبشِ کارگری و سندیکاییِ میهن‌مان...

اخیر و شرایط موجود در کشور نشانگر اهمیت نقش جنبش مبارزاتی طبقهٔ کارگر برای صلح، عدالت اجتماعی، و مبارزه همگانی علیه دیکتاتوری، تجاوز، و مداخله امپریالیسم و ارتجاع است. تقویت نقش جنبش کارگری در جنبش همگانی ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری، و برای استقلال و آزادی میهن در گرو استقلال عمل طبقاتی کارگران است. مبارزه کارگران با تأکید بر هویت مستقل طبقاتی‌شان و تلفیق مبارزه صنفی با فعالیت سیاسی و پیکار همگانی علیه تجاوز، مداخله امپریالیسم و دیکتاتوری حاکم پیروز خواهد شد.

* **فرخنده باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان**
* **درود پرشور به طبقهٔ کارگر ایران مدافع راستین میهن در برابر امپریالیسم و دولت صهیونیست اسرائیل و پیکارگر استوار مبارزات ضد دیکتاتوری به‌سود استقلال و حق حاکمیت ملی**
* **حق اعتصاب باید به‌رسمیت شناخته‌شود**
* **بساط پیمانکاران نیروی انسانی باید برچیده شود**
* **مزد باید مطابق نرخ واقعیِ تورم و هزینهٔ معیشت تعیین و اعلام شود**
* **پیش به‌سوی احیای حقوق سندیکایی**
* **اعطای تسهیلات بانکی بدون بهره به زحمتکشان برای بازسازی مناطق مسکونی کارگری که بمباران شده است**
* **اختصاص تسهیلات بانکی با بهرهٔ کم یا بدون بهره برای بازسازیِ کارگاه‌ها، مشاغل خدماتی، و مرکزهای تولیدی به‌هدفِ تقویت بنیهٔ تولیدی-صنعتیِ کشور و تضمین اشتغال کارگران و زحمتکشان فکری و یدی**
* **کارگر زندانی و همهٔ زندانیان سیاسی آزاد باید گردند**
* **به برنامهٔ تعدیل ساختاری و جراحیِ اقتصادی پایان دهید**

روز اول ماه مه، تجدید عهد زنان جهان برای مبارزه همگام علیه ستم سرمایه داری

روز جهانی کارگر برای زنان جهان تنها یک جنبش طبقه کارگر جهانی نیست، بلکه لحظه‌ای حیاتی برای برجسته کردن سرکوب ویژه زنان در سیستم سرمایه داری است. اسثمار مضاعف زنان ریشه در یک جامعه طبقاتی دارد، جایی که کار زنان چه در محیط کار و چه در خانه به‌طور سیستماتیک بی‌ارزش به‌شمار می‌آید. آنان همچون کارگر مانند بقیه زحمتکشان استثمار می‌شوند، ولی به دلیل تبعیض‌های جنسیتی، کارهای در خانه به زنان تحمیل می‌شود که بدون دستمزد هستند و در جامعه امری عادی تلقی می‌شود. در زمان بحران‌های اقتصادی و نبودِ ثبات، زنان شدیداً آسیب می بینند، زیرا به‌طور عمده در بخش‌های اقتصادی ناپایدار، با دستمزد کم، و غیررسمی کار می‌کنند. زنان اولین کسانی هستند که از کار اخراج می‌شوند و آخرین کسانی هستند که دوباره استخدام می‌شوند. علاوه بر این در سیاست‌های ریاضتی نیز که کاهش بودجه‌های خدمات عمومی مانند بهداشت و درمان ، آموزش و پرورش و مراقبت کودکان را سبب می‌شود، فشارها بر زنان تشدید می‌شود. بر همین اساس، برای زنان روز اول ماه تنها برای دستمزد برابر و رفع تبعیض نیست، بلکه روزی برای اعلام همبستگی در راه تغییرات ساختاری و بنیانی ست.

امروز در جهان نیز با تشدید بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و افزایش درگیری‌های نظامی و از جمله پس از حمله تجاوز کارانه آمریکا و اسراییل علیه میهن‌مان، شاهد تورم‌های فزاینده، ریاضت‌های اقتصادی رو به افزایش و فاجعه‌های انسانی و محیط زیستی هستیم. در چنین شرایطی که امپریالیسم جهانی به‌رهبری آمریکا، برای حفظ قدرت رو به افول خود تلاش دارد، وهزینه‌های خدماتی و اجتماعی را به‌خاطر تهیه سلاح کاهش می دهد، موجی از بیکاری، تشدید بحران‌های اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی را دامن می‌زند. بر همین اساس، زنان که در زمره اولین قربانیان جنگ‌ها و ریاضت‌های اقتصادی هستند و ستم مضاعف سرمایه‌داری را با تمام وجود تجربه کرده‌اند، خواهان صلح و ثبات اقتصادی هستند. آنان در سال‌های اخیر و با روی کار آمدن نیروهای راست افراطی، این درک عمیق را یافته‌اند که یک جنگ طبقاتی هم‌آهنگ علیه حقوق آنان صورت گرفته است. زنان میهن‌مان نیزبا نزدیک شدن به روز جهانی کارگر، بار دیگر همدوش با سایر زحمتکشان و با برجسته کردن خواست‌های خود، به این روز به‌مثابه روزی که برای تجدید عهد برای همبستگی و ادامه مبارزه علیه ستمی است که بر آنان وارد می شود، می نگرند.

زنان میهن‌مان علاوه بر این که مانند سایر زنان که در شرایط سرمایه‌داری زندگی می‌کنند، متحمل ستم مضاعف سرمایه‌داری هستند، تحت ستم قوانین ارتجاع مذهبی نیز قرار دارند. این ستم سه‌گانه ، تنها یک پدیدهٔ فرهنگی و مذهبی نیست ، بلکه ریشه در ساختار جامعه طبقاتی دارد.

در چنین ساختاری است که به‌رغم اینکه زنان کشورمان اکثریت فارغ‌التحصیلان دانشگاه را تشکیل می‌دهند، ولی با موانع متعددی برای اشتغال مواجه می‌شوند.آنان به‌طور سیستماتیک از بازار کار کنار گذاشته می‌شوند و فرصت‌های شغلی را نیز در شرایط فرو پاشی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، و تبعیض‌های جنسیتی گسترده به‌سرعت از دست می‌دهند.

از دست رفتن سریع مشاغل برای زنان سابقه‌ای دیرینه دارد که زنان را آسیب‌پذیر می‌کند. زنان پس از اخراج‌ها و کاهش نیروی کار در بخش‌های رسمی و دولتی، به‌ناچار وارد اقتصادهای ناپایدار می‌شوند که در آن‌ها به دلیل قوانین حقوقی مدافع کارفرماها هیچ‌گونه امنیت شغلی ندارند. در شرایط فروپاشی اقتصادی کشور که به دلایلی چون ناکارآمدی اقتصادی جمهوری اسلامی، غارت ثروت ملی، اِعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی و تحریم‌ها، به‌وجود آمده است، و بازار کار کوچک‌تر از همیشه شده، زنان بیشترین تعداد بیکاران را تشکیل می‌دهند.

بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا، نزدیک به ۷۲ درصد بیکاران زن در ایران تحصیلات عالی دارند. در حالی که این رقم برای مردان تنها ۲۸ درصد است. .. درعین‌حال، طبق داده‌های رسمی، زنان حتی در صورت اشتغال، ۲۰ تا ۲۵ درصد کم‌تر از مردان حقوق دریافت می‌کنند (ایلنا، ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴).

در شرایط کنونی کشور نیز با آغاز جنگ بسیاری از واحدهای اقتصادی کوچک و در بخش‌های خدمات مانند چای‌خوری‌ها و قهوه‌خوری‌ها، گردشگری و صنعت هواپیمایی تحت تاثیر شدید قرار گرفته‌اند که زنان بیشترین تعداد را در چنین شغل‌هایی شاغل هستند هستند. بسیاری دیگر دارای فعالیت‌های اقتصادی اینترنتی هستند که با قطع اینترنت تمامی درآمد خود را از دست داده‌اند و همچنان هیچ پوشش مالی در مورد جبران این خسارات دریافت نکرده‌اند و در سیاست‌های جامع رژیم هم چنین پوششی جای ندارد و اگر اقدامی هم صورت می‌گیرد بسیار محدود و ناچیز است.

مبارزه زنان میهن‌مان بخش تفکیک‌ناپذیر مبارزه طبقاتی و آزادی‌خواهانه پرولتاریا علیه سیستم استثمار و ستم طبقاتی سرمایه‌داری‌ست. زنان میهن‌مان تاریخ مبارزاتی طولانی برای دست یافتن به عدالت اجتماعی، برابری جنسیتی، صلح و آزادی داشته‌اند و همواره دوشادوش زحمتکشان کشور به مبارزه پرداخته‌اند. از تأسیس "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در سال ۱۳۲۱ تا کارزار یک میلیون امضا و جنبش فراگیر "زن ، زندگی ، آزادی"، تنها بخشی از مبارزات گسترده زنان علیه دیکتاتوری‌های رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی هستند. زنان میهن‌مان در مبارزات خود به‌رغم خطراتی چون زندانی شدن‌های طولانی مدت، شکنجه و اعدام‌های وسیع، هیچ‌گاه از مبارزه خود عقب‌نشینی نکردند و همچنان و مصمم تر از گذشته به مبارزات حق‌طلبانه خود برای به‌دست آوردن آزادی، برابری، عدالت اجتماعی، و صلح ادامه داده‌اند.

روز اول ماه پیش رو، برای زنان کشورمان تجدید عهد آنان برای ادامه این مبارزه و همگام با سایر زحمتکشان خواهد بود. آنان با آگاهی از این واقعیت که حقوق زنان بخش جدایی‌ناپذیر مبارزات کارگران و زحمتکشان است و در جایی که جهان در آتش جنگ‌های خانمان‌سوز و مخرب قرار گرفته است، چاره‌ای غیر از مبارزه برای ایجاد دنیایی جدید ندارند. در این روز زنان جهان با شعار "کارگران جهان متحد شوید" هر چه بیشتر به صفوف مبارزات کارگری انسجام خواهند بخشید.

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس سایت حزب: http://www.tudehpartyiran.org
ای-میل حزب: E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de
تلگرام حزب: https://t.me/tudehpartyirandotorg
فیس بوک حزب: https://www.facebook.com/profile.php?id=100064514717426
توییتر حزب: https://x.com/OfficialTudeh

For Peace, Independence, Democracy, Social Justice and Socialism

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

Workers Supplement of "Nameh Mardom" No. 109, 20 April 2026
Central Organ of the Tudeh Party of Iran